هرژه

داستانی از ماجراهای تن‌تن و میلو

جزیره سیاه



انتشارات یونیورسال

ماجراهای تن تن و میلو بزبانهای زیر ترجمه و منتشر شده است :

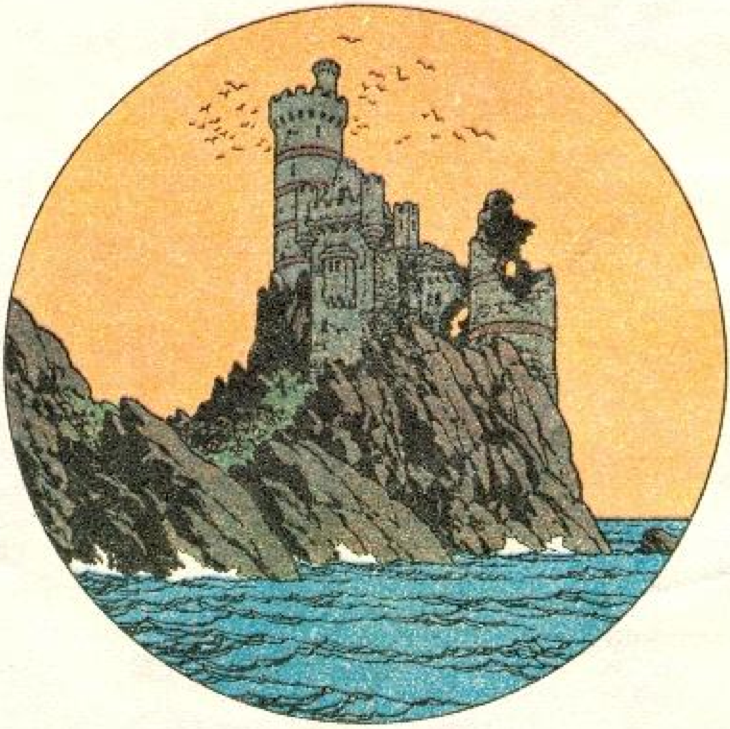
آلمانی	توسط	انتشارات	CARLSEN	هامبورگ
انگلیسی	«	«	GOLDEN PRESS	نیویورک
انگلیسی	«	«	METHUEM & Co.	لندن
برزیلی	«	«	DISTRIBUIDORA RECORD LTDA	ریودوژانیرو
دانمارکی	«	«	ILLUSTRATIONSFORLAGET	کپنهاگ
اسپانیائی	«	«	JUVENTUD	بارسلون
فنلاندی	«	«	WERNER SODERSTROM	هلسینکی
یونانی	«	«	PEGASUS	آتن
عبری	«	«	MIZRAHI	تل‌آویو
ایتالیائی	«	«	GANDUS	ژن
هلندی	«	«	CASTERMAN	دورنیک
ژاپنی	«	«	SHUFUNOTOMO	توکیو
پرتغالی	«	«	ASTER	لیسبون
سوئدی	«	«	ILLUSTRATIONFORLAGET	استکهلم
فرانسوی	«	«	CASTERMAN	تورنه - بلژیک
فارسی	«	«	یونیورسال	تهران

صندوق پستی ۱۸۵۸ تهران - تلفن ۳۱۶۸۰۶

هرژه

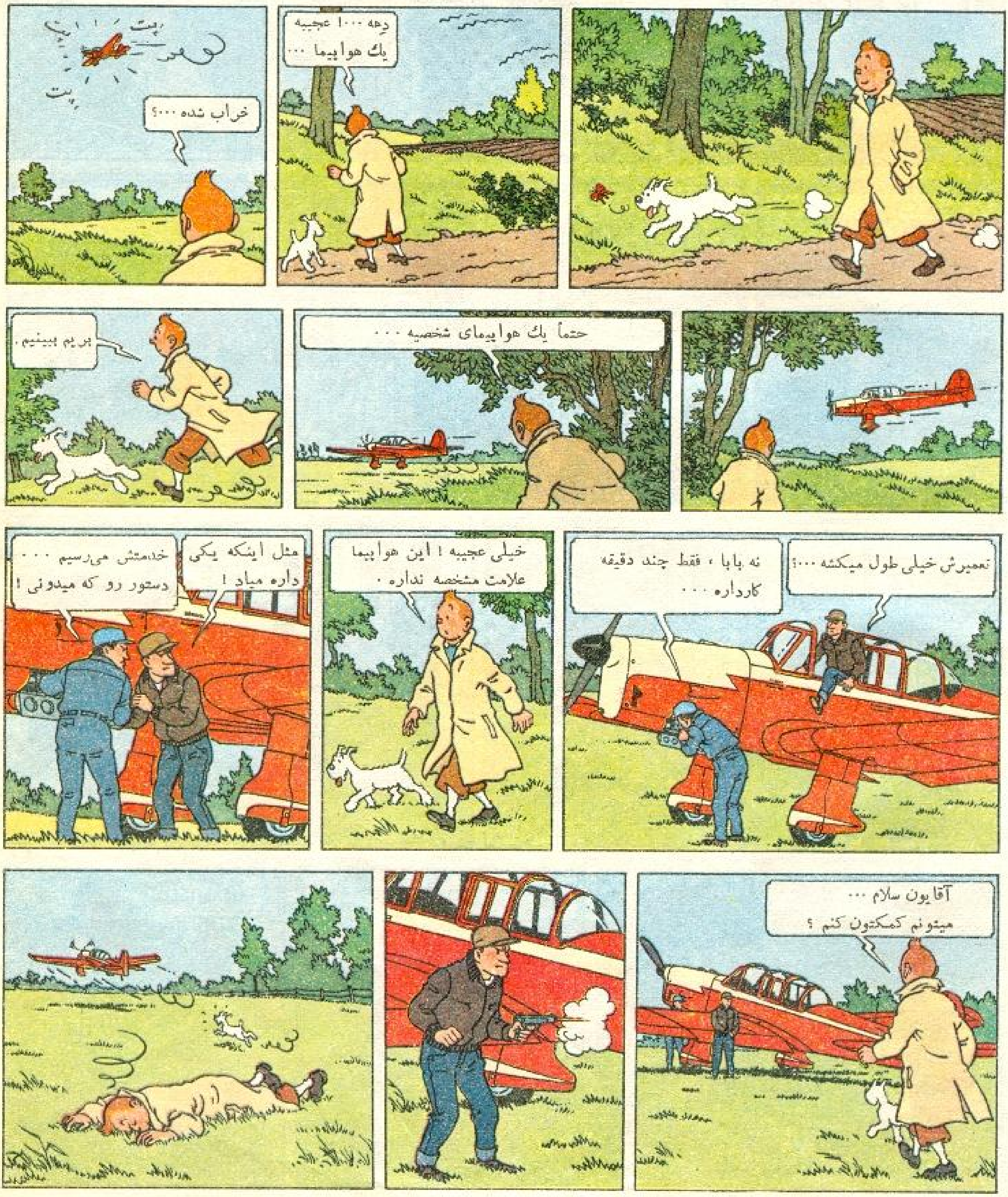
داستانی از ماجراهای تن‌تن و میلو

جزیره سیاه



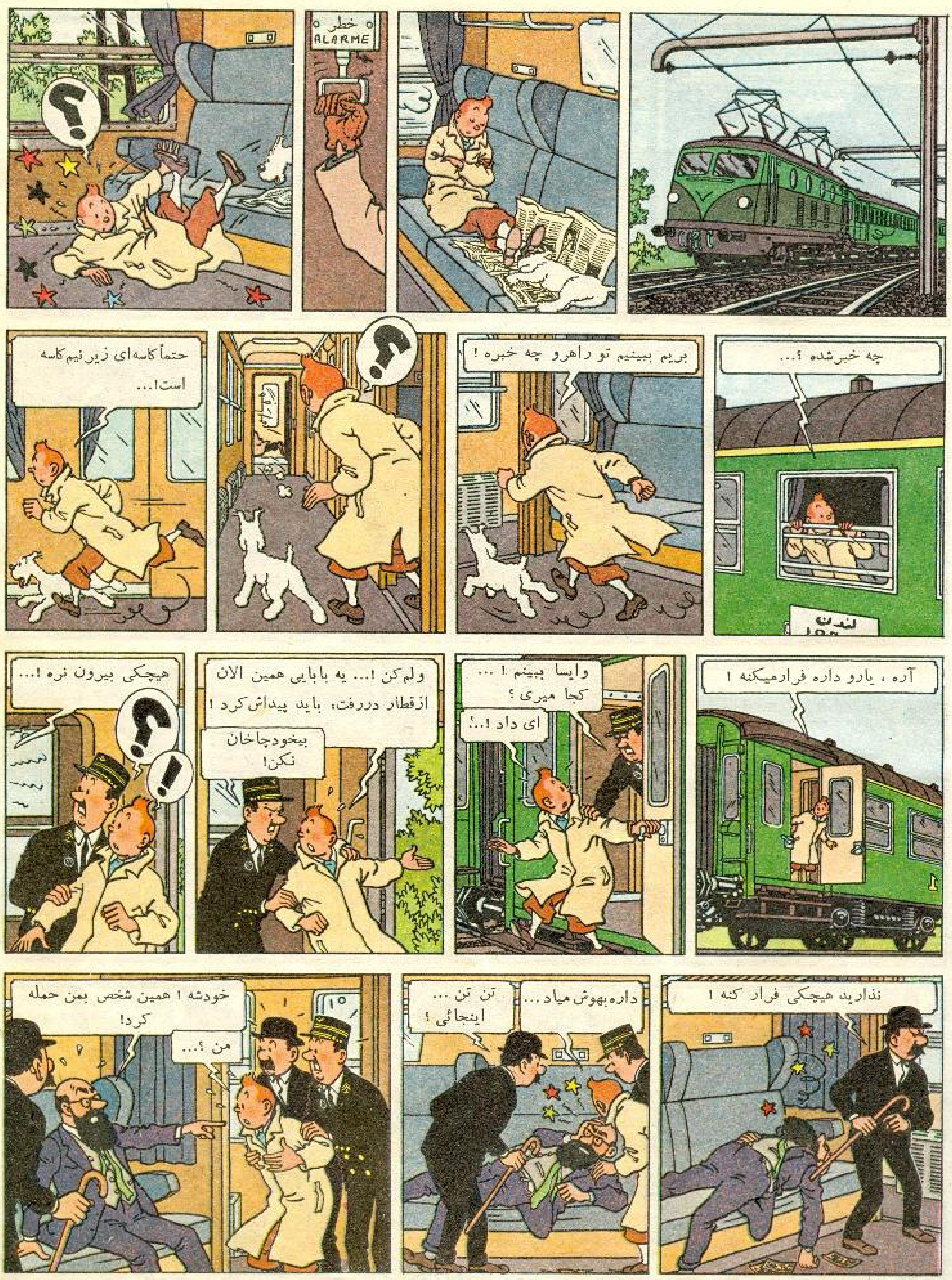
انتشارات یونیورسال

جزیره سیاه

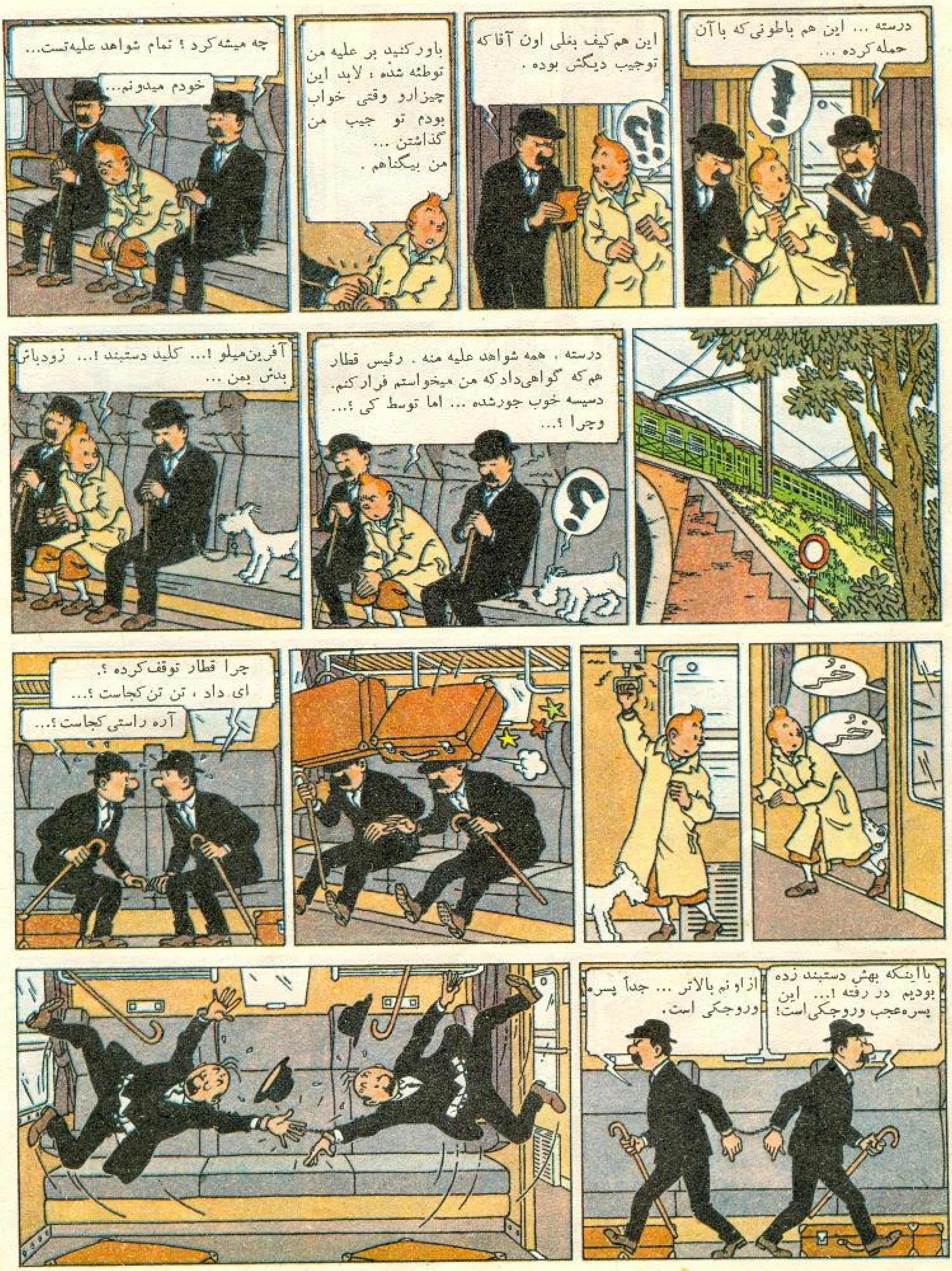

وه ۱۰۰۰ عجیبه
یك هواپیما ...
پت
پت
خراب شده ...؟
حتماً یك هواپیمای شخصیه ...
بریم ببینیم.
تعمیرش خیلی طول میکشه ...؟
نه بابا ، فقط چند دقیقه کارداره ...
خیلی عجیبه ! این هواپیما علامت مشخصه نداره .
مثل اینکه یکی داره میاد !
خدمتش میرسیم ... دستور رو که میدونی !
آقایون سلام ...
میتونم کمکتون کنم ؟

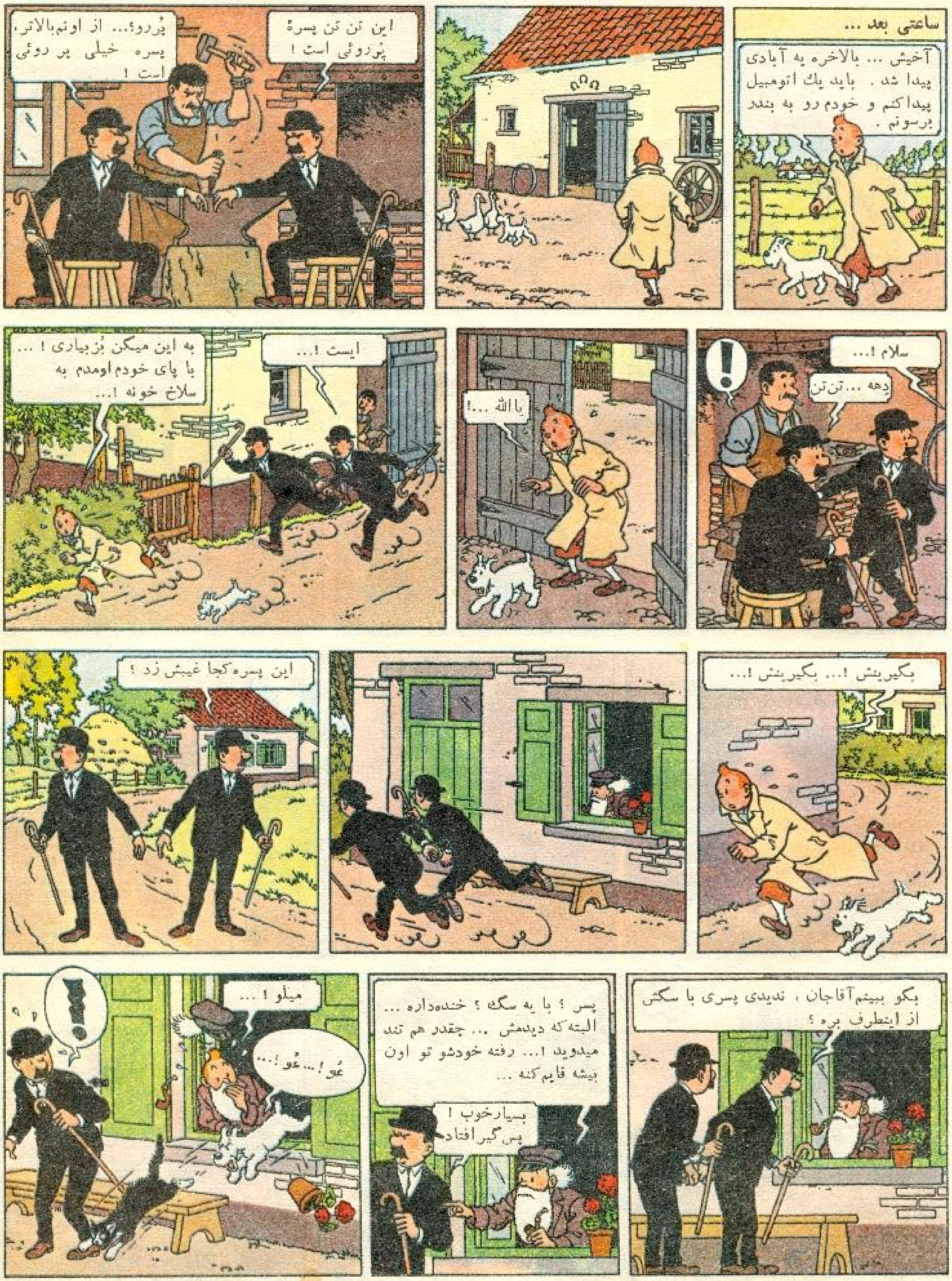


فردای آن روز ...
حالش چطوره دکتر ؟
چیز مهمی نیست ؛ گلوله از کنار یکی ازدنده‌ها ردشده. سه روز دیگه راه می‌افته .
ببخشید خانم..
میشه آقای تن تن را ببینیم ؟
بله ، حالش بهتره .
خوب دوست عزیز ، مطمئنی که هواپیما نمره نداشت ؟
مطمئن مطمئنم .
مسئلهٔ عجیبیه... مسئلهٔ خیلی عجیبیه...
ازاونم بالاتر: مسئلهٔ عجیبه.. چطوری بگم... مسئلهٔ خیلی عجیبیه .
آقایان دوپونت یا دوپونط رو پای تلفن میخوان .
الو ؛ بله ، آه ... اداره آگاهی؟... خب...بله... عجب؟... دیشب.. کجا..؟ « ایست‌داون »... فوری حرکت می‌کنیم... باشه، چشم ...
ما باید بریم به انگلستان . دیشب هواپیمای بی‌نمره‌ای در "ایست‌داون" سقوط‌کرده . خدا حافظ !
خدا حافظ ... خدا بهمراه .
متشکرم .
؟
تقصیر خودته، هیچ وقت جلوپاتو نگاه‌نمی‌کنی..!
حتماً خود سرکار سطل را دیده بودید !...
رفتند ایست داون چکار ؛ هرچه بادا باد، معطلش نباید کرد ! دکترهرچه دلش مـی‌خواد بگه !
خداحافظ خانم!..
نه بابا ! هیچ میدونی رفقا دیشب کی‌رو زخمی کردن ؟ تن‌تن‌رو .
زخمی؟.. حیف که کارشو نساختن !
خودشه!...
لندن
LONDON

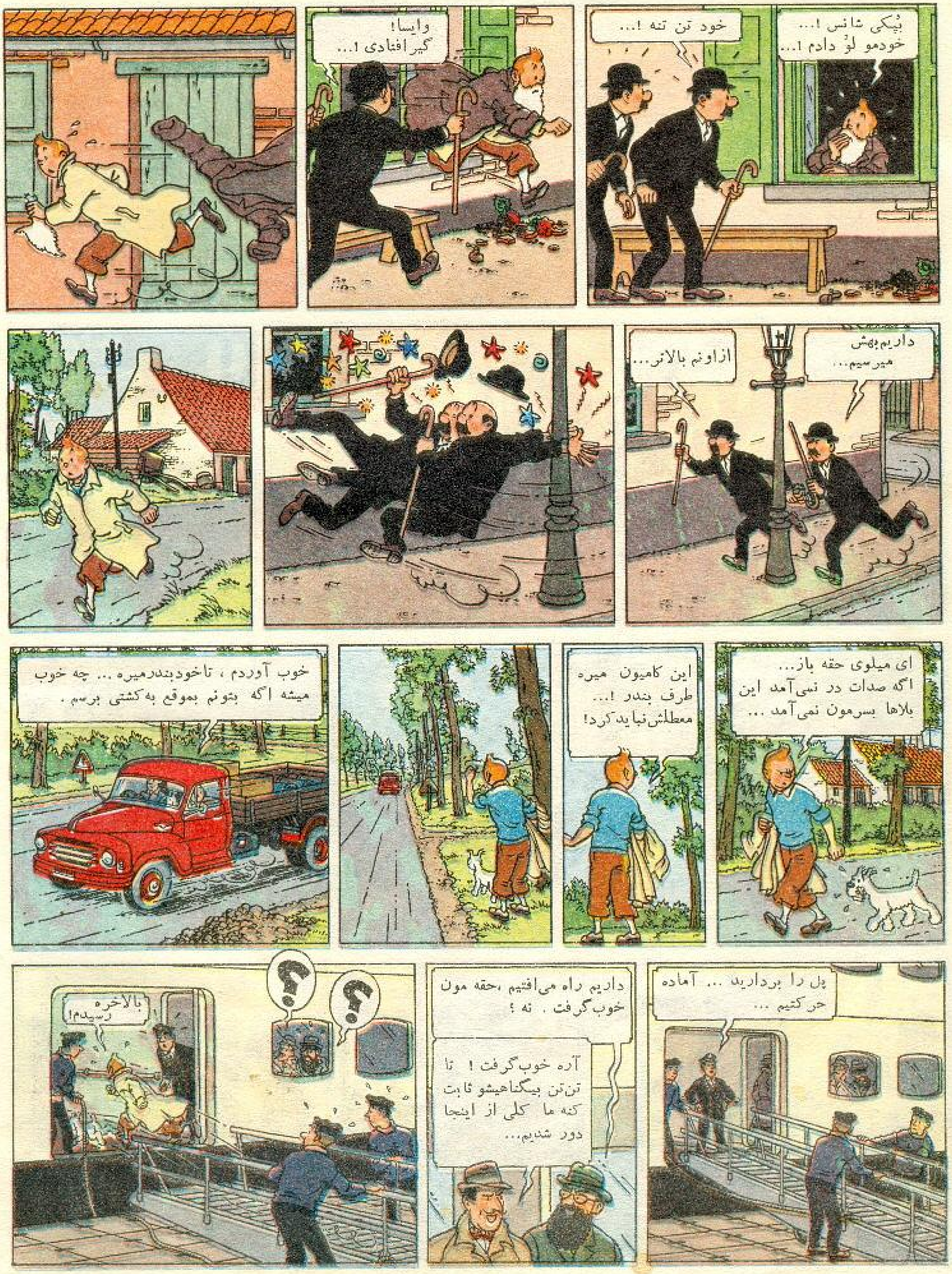


خطر
ALARME
چه خبرشده ؟...
لندن
بریم ببینیم تو راهرو چه خبره !
حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است!...
آره ، یارو داره فرارمیکنه !
وایسا ببینم ! ... کجا میری ؟
ای داد !..!
ولم کن !... یه بابایی همین الان ازقطار دررفت، باید پیداش کرد !
بیخودچاخان نکن!
هیچکی بیرون نره !...
نذارید هیچکی فرار کنه !
داره بهوش میاد...
تن تن ... اینجائی ؟
خودشه ! همین شخص بمن حمله کرد!
من ؟...

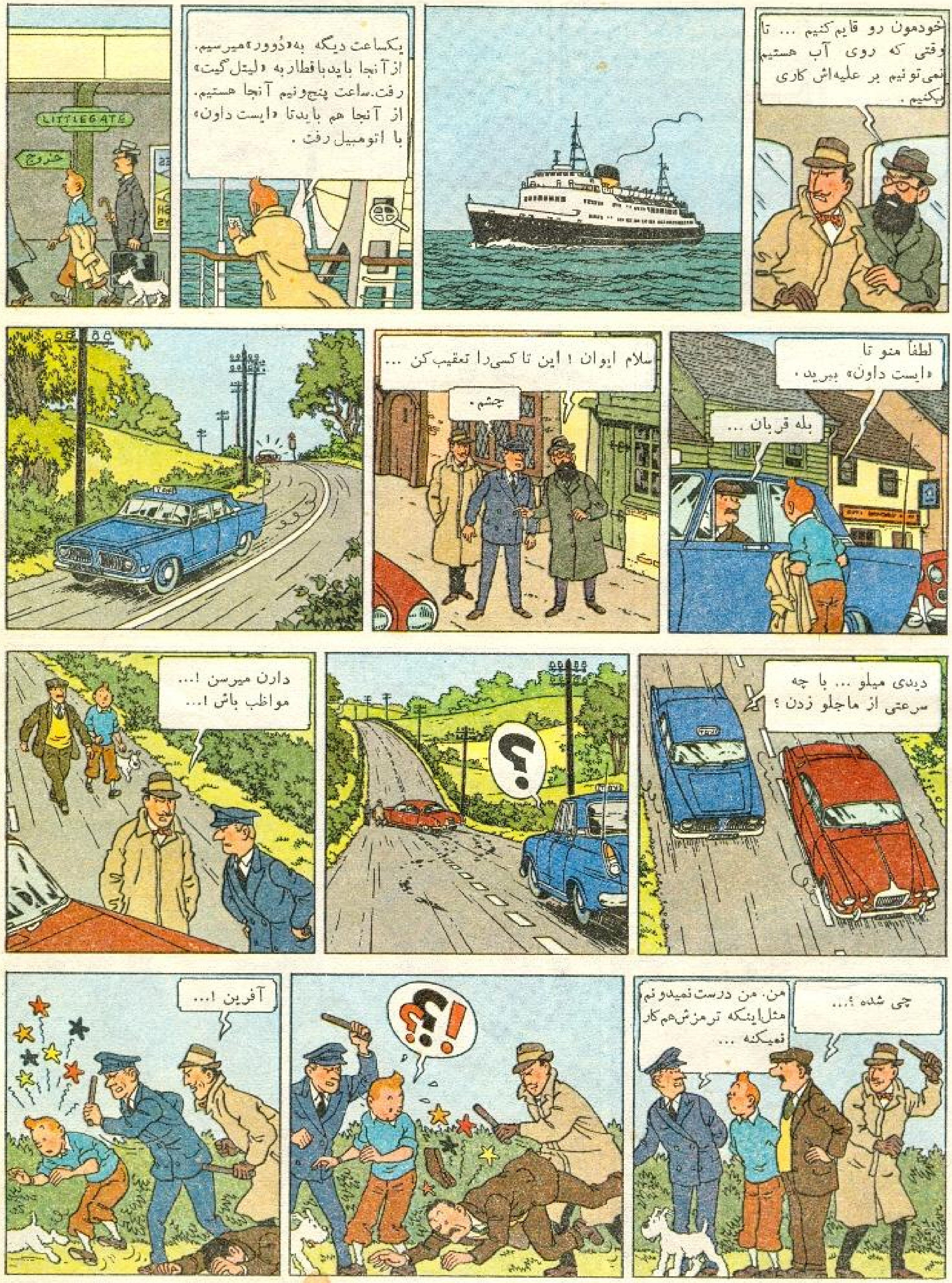

درسته ... این هم باطونی که با آن حمله کرده ...
!
این هم کیف بغلی اون آقا که توجیب دیگش بوده .
?!
باور کنید بر علیه من توطئه شده ، لابد این چیزارو وقتی خواب بودم تو جیب من گذاشتن ...
من بیگناهم .
چه میشه کرد ؛ تمام شواهد علیه‌تست...
خودم میدونم...
درسته ، همه شواهد علیه منه . رئیس قطار هم که گواهی‌داد که من میخواستم فرار کنم. دسیسه خوب جورشده ... اما توسط کی ؟... وچرا ؟...
?
آفرین‌میلو !... کلید دستبند !... زودباش بدش بمن ...
خُر
خُر
چرا قطار توقف کرده ؟.
ای داد ، تن تن کجاست ؟...
آره راستی کجاست ؟...
بااینکه بهش دستبند زده بودیم در رفته !... این پسره‌عجب وروجکی است!
ازاونم بالاتر ... جداً پسره وروجکی است.



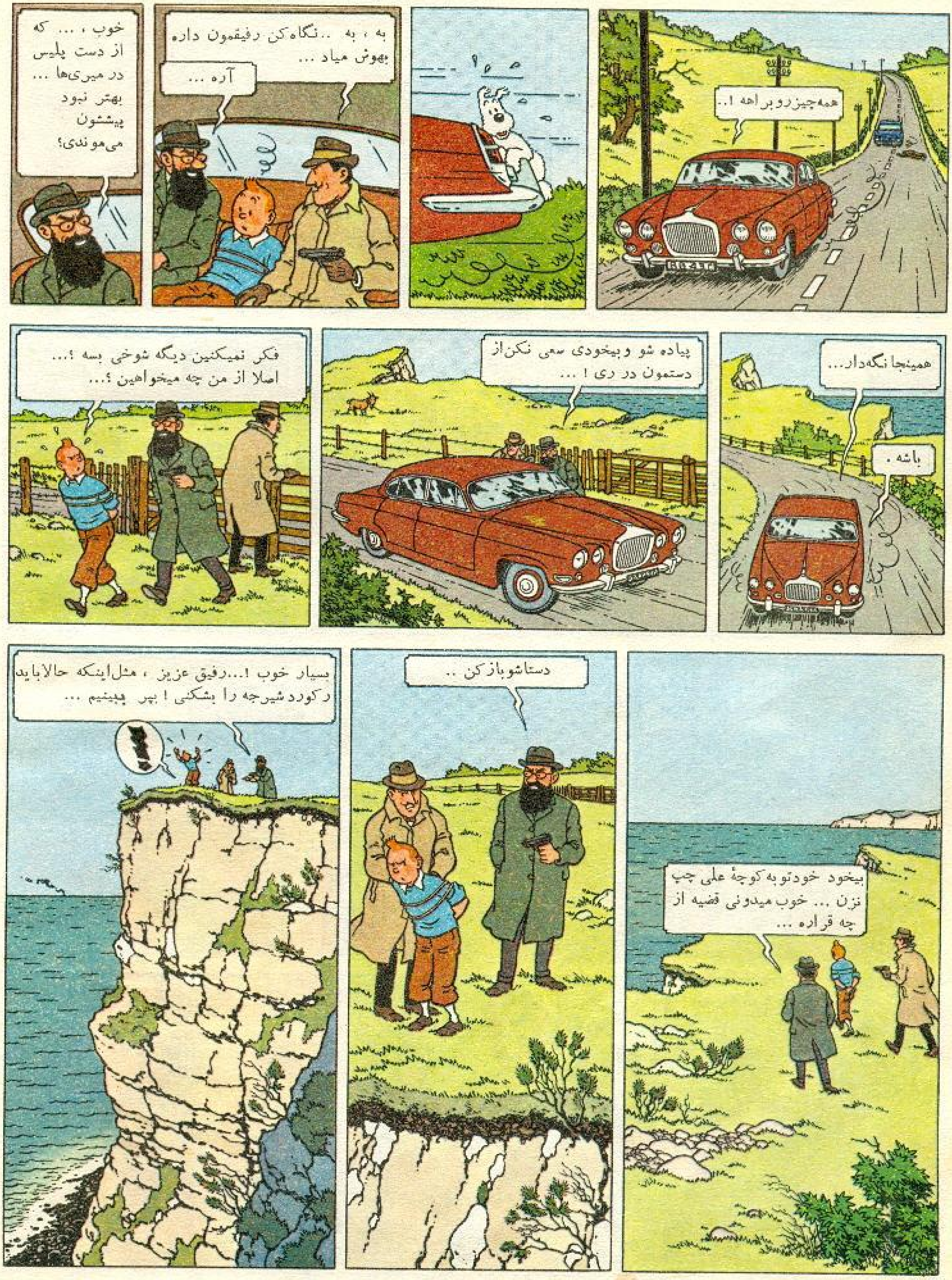
ساعتی بعد ...
آخیش ... بالاخره یه آبادی پیدا شد. باید یك اتومبیل پیدا کنم و خودم رو به بندر برسونم.
این تن تن پسرهٔ پُرروئی است!
پُررو؟... از اونم بالاتر، پسره خیلی پر روئی است!
سلام!...
دِهه ... تن‌تن
!
یا الله ...!
ایست!...
به این میگن بُزبیاری!... با پای خودم اومدم به سلاخ خونه!...
بگیرینش!... بگیرینش!...
این پسره کجا غیبش زد؟
بگو ببینم آقاجان، ندیدی پسری با سگش از اینطرف بره؟
پسر؟ با یه سگ؟ خنده‌داره ... البته که دیدمش ... چقدر هم تند میدوید!... رفته خودشو تو اون بیشه قایم کنه ...
بسیارخوب! پس گیرافتاد
میلو!...
عُو!... عُو!...
!

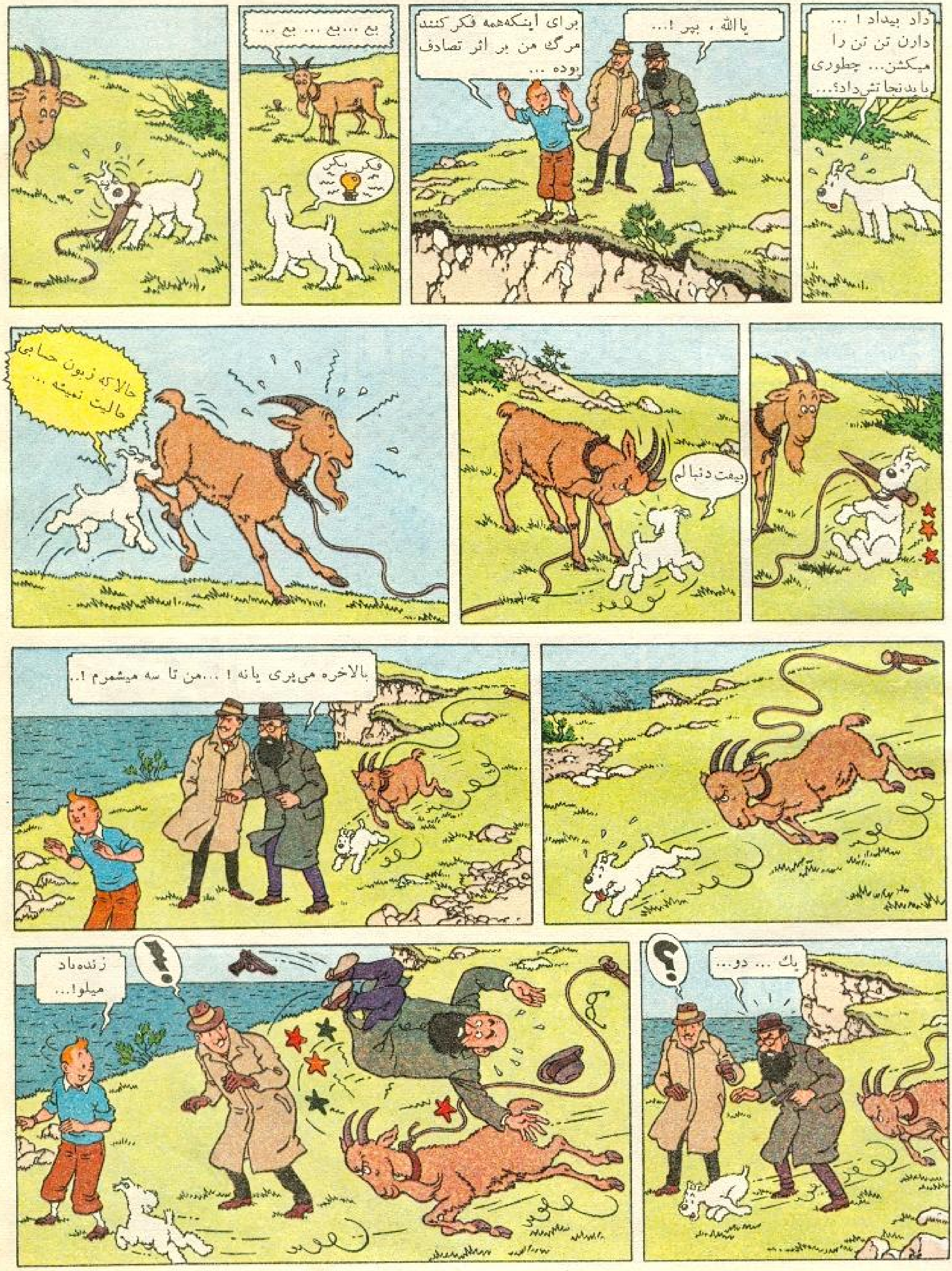


بُپکی شانس !...
خودمو لوُ دادم !...
خود تن تنه !...
وایسا!
گیر افتادی !...
داریم بهش
میرسیم...
ازاونم بالاتر...
ای میلوی حقه باز...
اگه صدات در نمی‌آمد این
بلاها بسرمون نمی‌آمد ...
این کامیون میره
طرف بندر !...
معطلش نباید کرد!
خوب آوردم ، تاخودبندرمیره ... چه خوب
میشه اگه بتونم بموقع به‌کشتی برسم .
پل را بردارید ... آماده
حرکتیم ...
داریم راه می‌افتیم ،حقه مون
خوب گرفت . نه ؟
آره خوب گرفت ! تا
تن‌تن بیگناهیشو ثابت
کنه ما کلی از اینجا
دور شدیم...
بالاخره
رسیدم!



خودمون رو قایم کنیم ... تا وقتی که روی آب هستیم نمی‌تونیم بر علیه‌اش کاری بکنیم.
یکساعت دیگه به «دُوور» میرسیم. از آنجا باید با قطار به «لیتل گیت» رفت. ساعت پنج و نیم آنجا هستیم. از آنجا هم باید تا «ایست داون» با اتومبیل رفت.
LITTLEGATE
خروج
لطفاً منو تا «ایست داون» ببرید.
بله قربان ...
سلام ایوان! این تاکسی‌را تعقیب کن ...
چشم.
دیدی میلو ... با چه سرعتی از ماجلو زدن؟
?
دارن میرسن!... مواظب باش!...
چی شده؟...
من. من درست نمیدونم مثل اینکه ترمزش‌هم کار نمیکنه ...
?!
آفرین!...


همه‌چیز روبراهه !..
به ، به ..نگاه‌کن رفیقمون داره بهوش میاد ...
آره ...
خوب ، ... که از دست پلیس در میری‌ها ... بهتر نبود پیششون می‌موندی؛
همینجا نگه‌دار...
باشه .
پیاده شو و بیخودی سعی نکن‌از دستمون در ری ! ...
فکر نمیکنین دیگه شوخی بسه ؟... اصلا از من چه میخواهین ؟...
بیخود خودتو به کوچهٔ علی چپ نزن ... خوب میدونی قضیه از چه قراره ...
دستاشو بازکن ..
بسیار خوب !...رفیق عزیز ، مثل‌اینکه حالاباید رکورد شیرجه را بشکنی ! بپر ببینیم ...

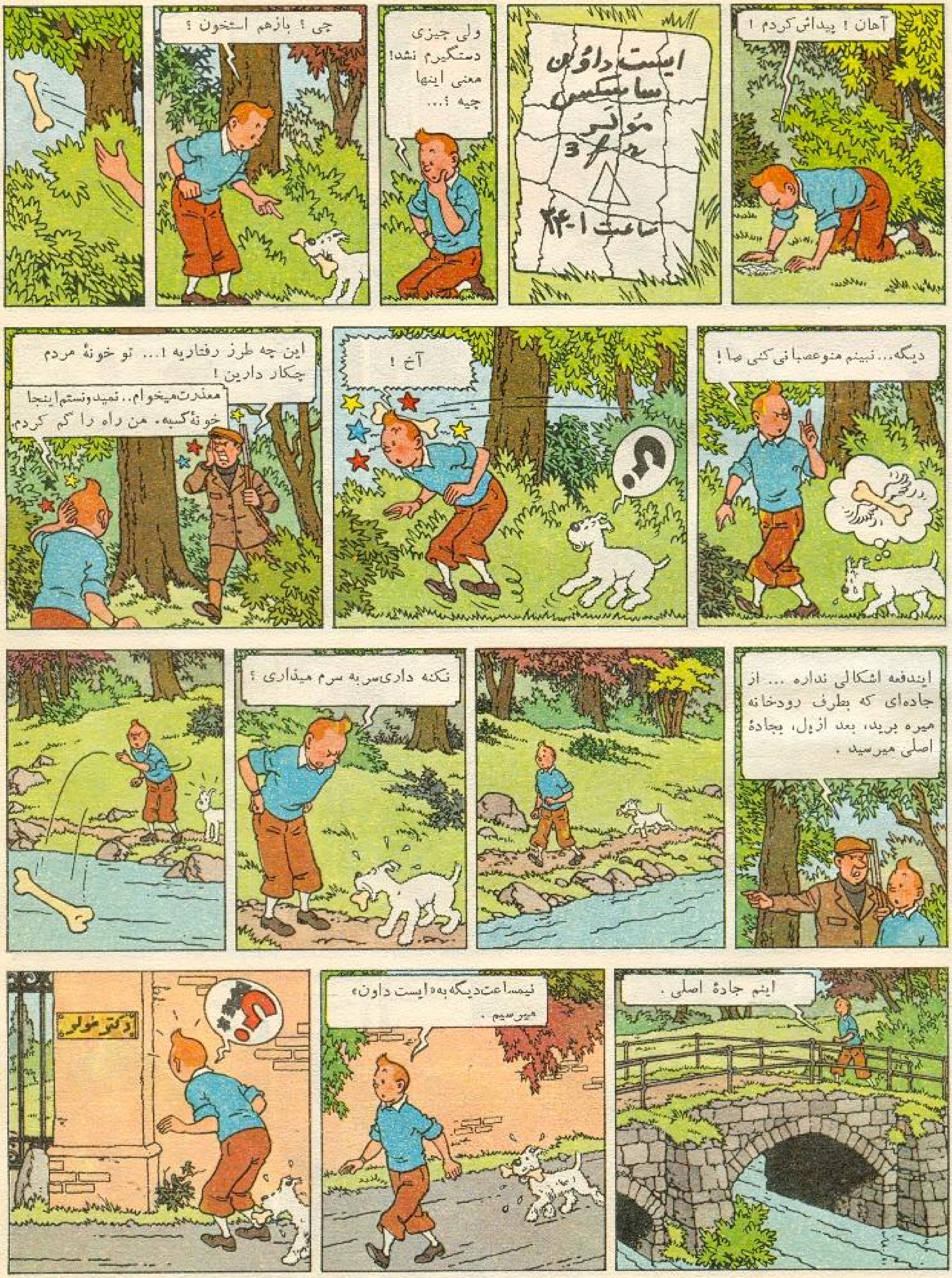

داد بیداد ! ... دارن تن تن را میکشن... چطوری باید نجاتش داد؟...
یالله ، بپر !...
برای اینکه همه فکر کنند مرگ من بر اثر تصادف بوده ...
بع ... بع ... بع ...
فکر بکر
بیفت دنبالم
حالا که زبون حالیت نمیشه ...
بالاخره می‌پری یانه ! ...من تا سه میشمرم !..
یک ... دو...
زنده باد میلو!...



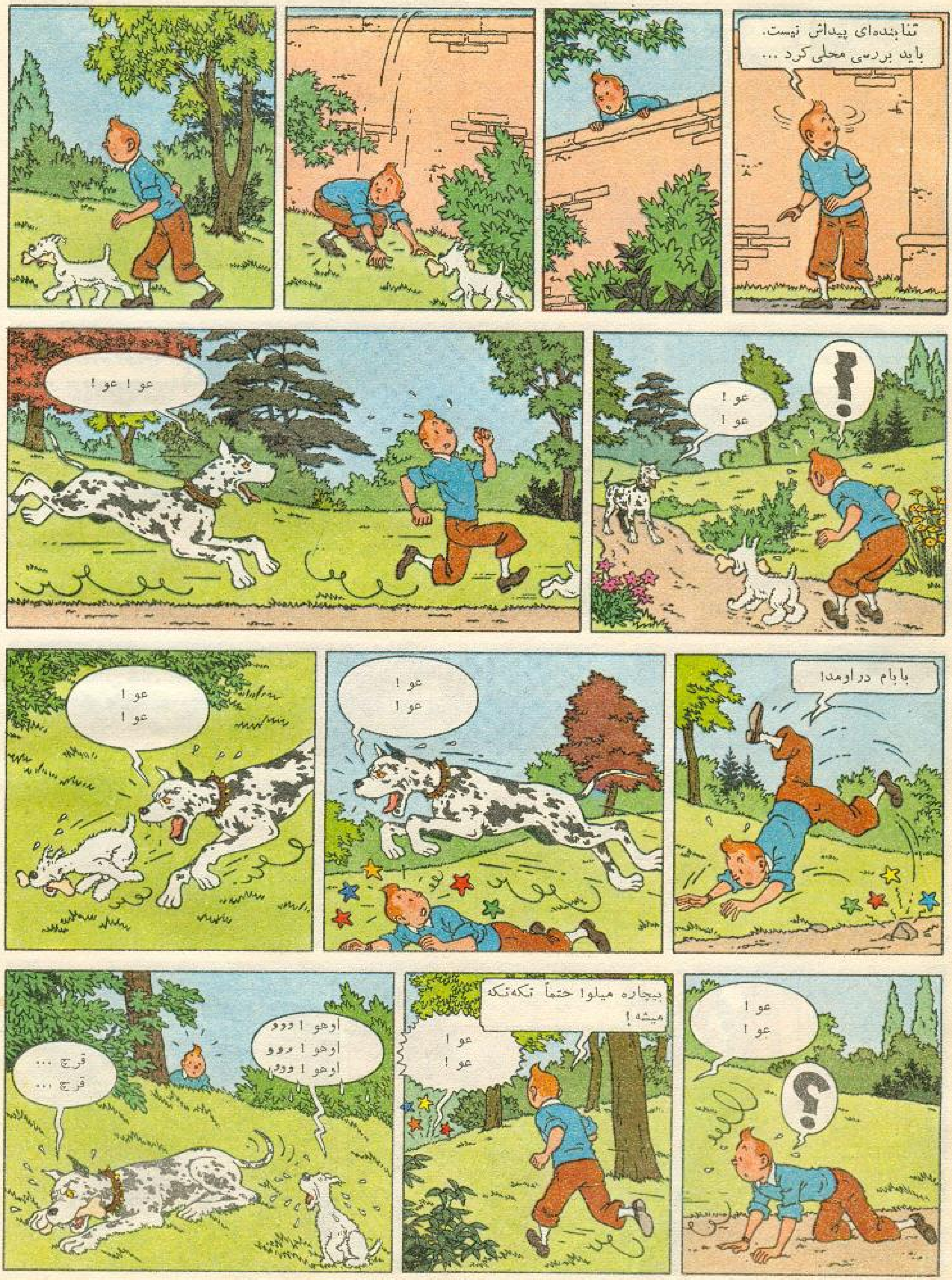
مواظب باش دارن میان !...
دستها بالا !...
قسم میخورم که تلافیشو درمیاریم .
زودتر درریم، نقشه مون نگرفت .
الو ؟ ... بله ... من دکتر مولر هستم ، چی !... تن تن رد مارو پیدا کرده ؟ ای جلب ! چشم و گوشتون رو درست باز کنین !
حقه اولت عالی بود میلو ! اما دفعه دوم دیگه برای چی بود ؟
میلو ! ...
یالله راه بیفتیم !


ایست داون
باید لاشهٔ هواپیمائی باشه که دیشب سقوط کرده. بریم ببینیم ...
پسر خلبانا چی آمد، سرکار؟...
معلوم نیست. لاشهٔ هواپیما به همین وضع امروز صبح پیداشده. ممکنه سرنشینش با چترنجات پریده باشه ...
حتم دارم این لاشهٔ همون هواپیمائیه که من نشستنش رو دیدم. از این آهن قراضه‌ها غیر از این چیزی دستگیرم نمیشه.
میلو؟
میلو ردی پیدا کرده!...
حتماً رد پای خلبانای مرموزه!
عجب سگ باهوشیه، در پیدا کردن رد مجرمین لنگه نداره!
باید هوای خودمونو داشته باشیم! ممکنه اونا همین نزدیکی باشن ...
مواظب باش!... حواستو جمع کن!...
بالاخره چیزی پیدا کرد..

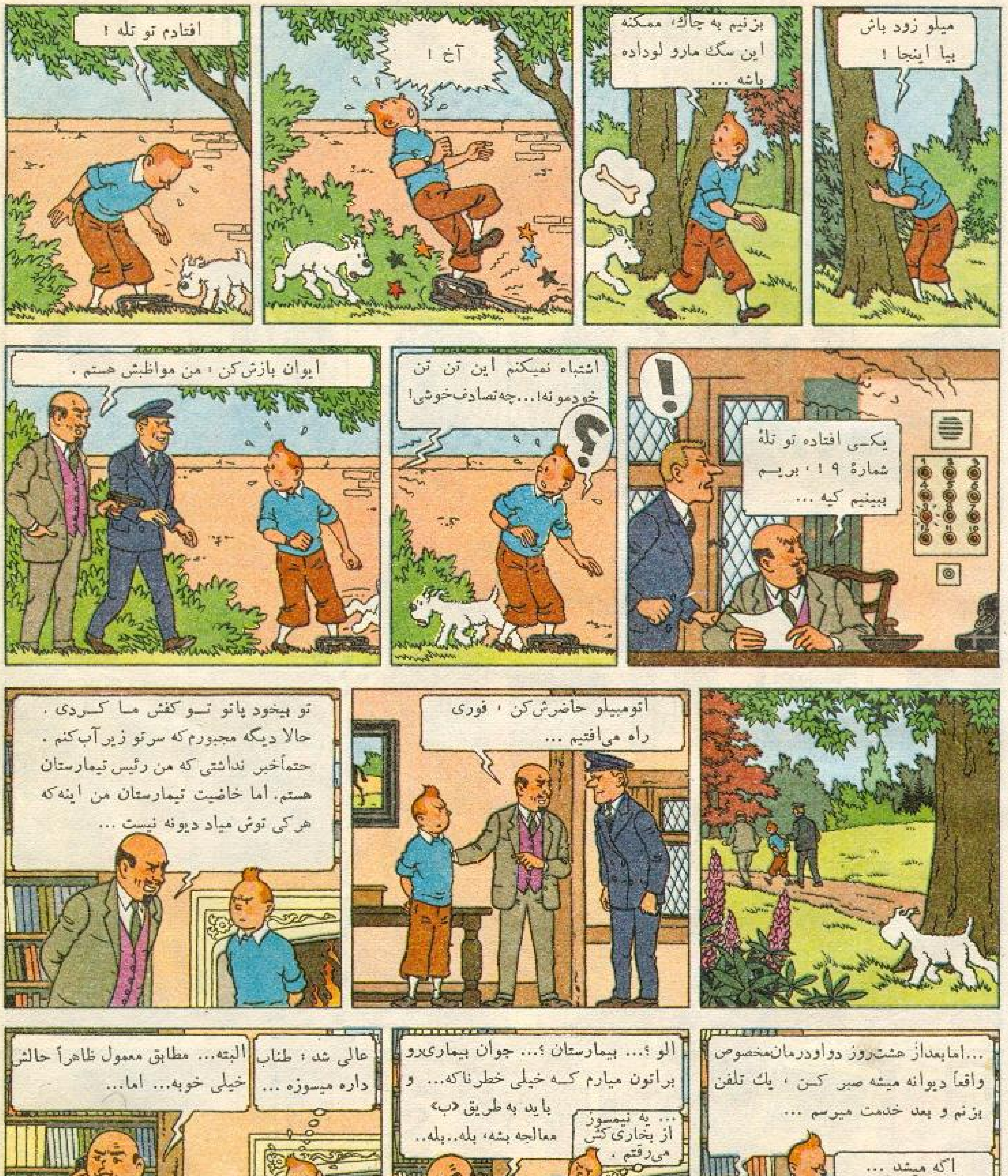

خجالت نمیکشی وقتمونو واسهٔ یه تکه استخون تلف میکنی ؟ بدش به من ...
صد دفعه بهت گفتم که نمی‌تونی استخون مونده بجوی .
بیا اینجا میلو ... زودبیا اینجا ! ...
عُو ! عُو !
عُو ! عُو !
!؟
عجیبه ، مثل اینکه ازمن میخواد دنبالش برم ...
خیله‌خوب اومدم. .ولی وای بحالت اگه بازهم استخون باشه !
؟
لباس خلبانا ست ! ... عجب؟ ناجنسا قایمش کرده بودن !
حتماًهیچ چی تو جیبشون نیست ...
نه بابا ! ... مقداری کاغذ پاره ، آهان ! خرده کاغذ ؟... ممکنه همینا بمن کمك کنه خلبانارو پیداکنم ...
خوب حالا باید جواب این مسابقهٔ بیست سئوالی را پیدا کرد ! عاشق اینکارهم که هستم
۲۴
ساع

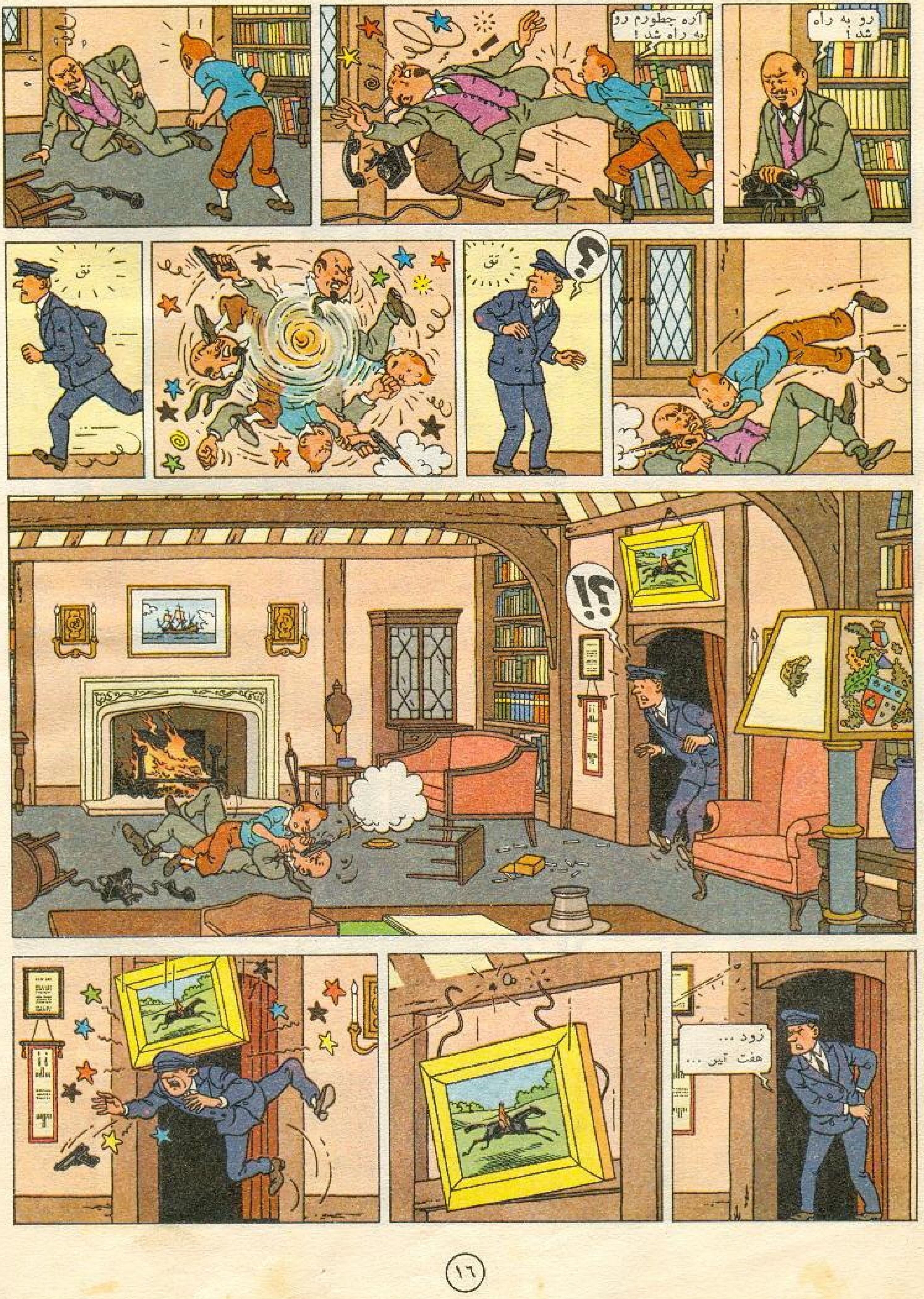


آهان ! پیداش کردم !
ایست داون
سامکس
مولر
3
ساعت ۱-۲۴
ولی چیزی دستگیرم نشد! معنی اینها چیه ؟...
چی ! بازهم استخون ؟
دیگه... نبینم منوعصبانی کنی ها !
آخ !
این چه طرز رفتاریه !... تو خونهٔ مردم چکار دارین !
معذرت میخوام.. نمیدونستم اینجا خونهٔ کسیه. من راه را گم کردم.
ایندفعه اشکالی نداره ... از جاده‌ای که بطرف رودخانه میره برید، بعد از پل، بجادهٔ اصلی میرسید .
نکنه داری‌سربه سرم میذاری ؟
اینم جادهٔ اصلی .
نیمساعت دیگه به«ایست داون» میرسیم .

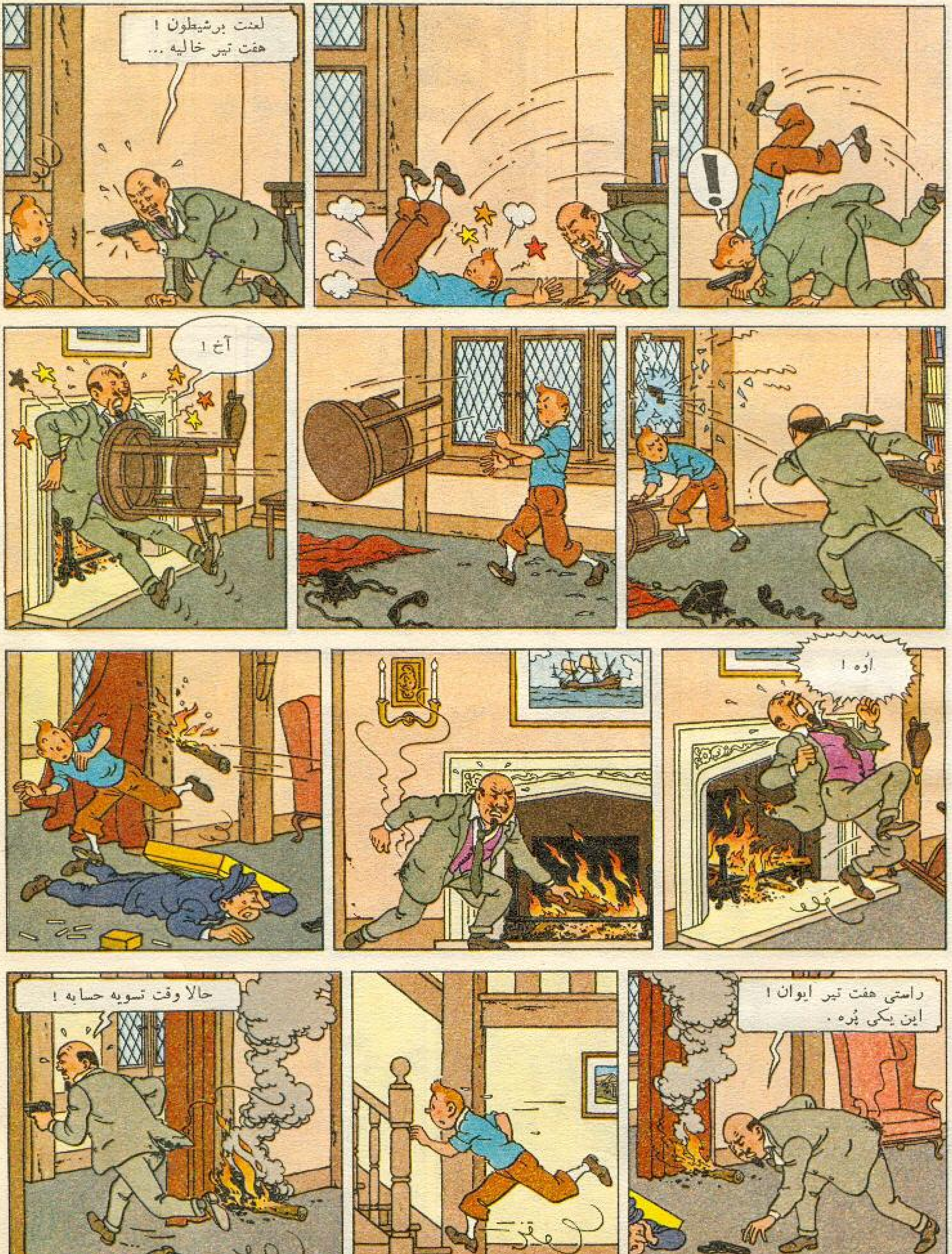


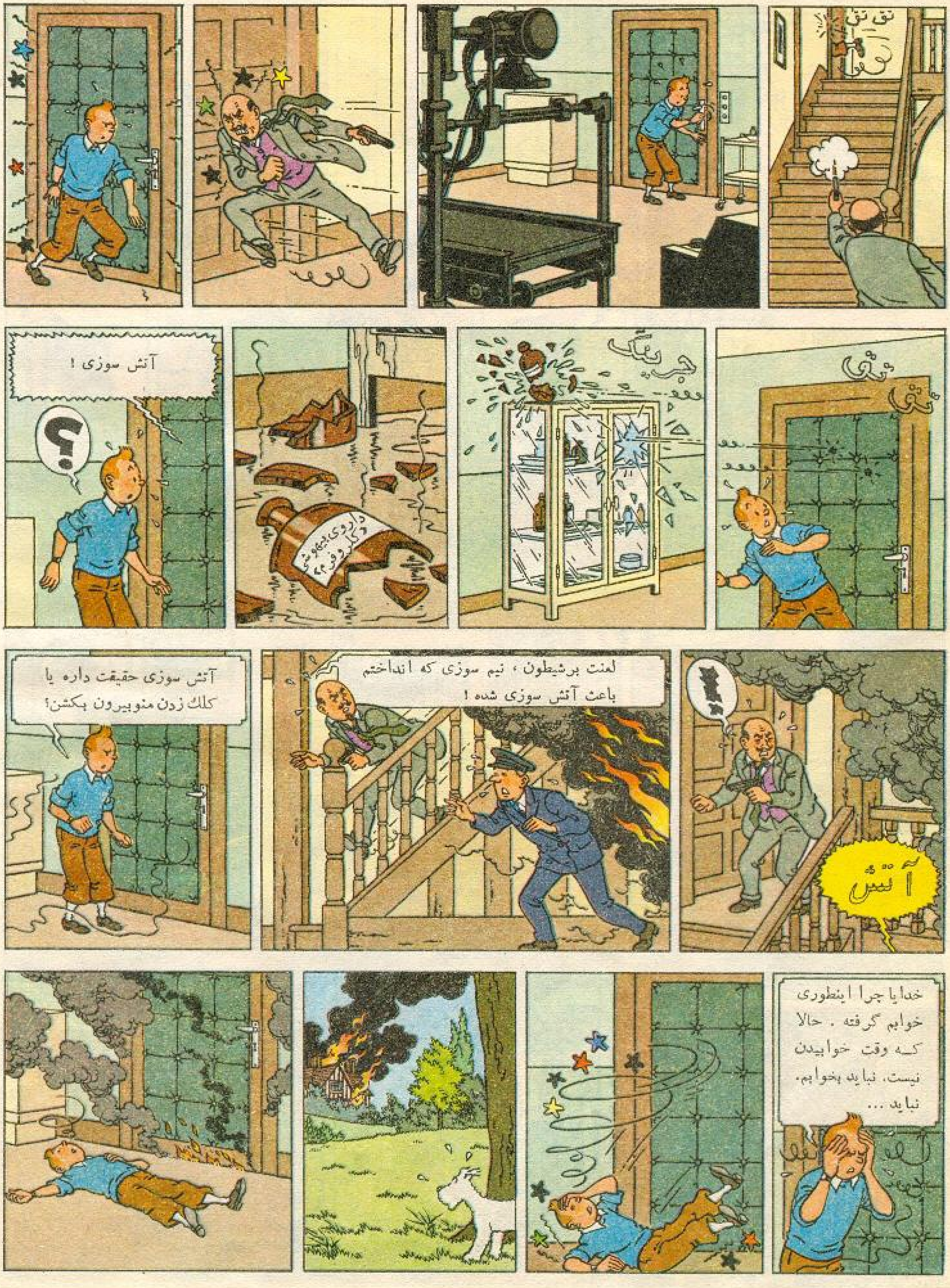
تنابنده‌ای پیداش نیست.
باید بررسی محلی کرد ...
عو ! عو !
عو !
عو !
عو !
عو !
عو !
عو !
بابام دراومد!
قرچ ...
قرچ ...
اوهو ! ووو
اوهو ! ووو
اوهو ! ووو
عو !
عو !
بیچاره میلو! حتماً تکه‌تکه
میشه!
عو !
عو !


میلو زود باش
بیا اینجا !
بزنیم به چاك، ممکنه
این سگ مارو لوداده
باشه ...
آخ !
افتادم تو تله !
یکـی افتاده تو تلهٔ
شمارهٔ ۱۹ ، بریم
ببینیم کیه ...
اشتباه نمیکنم این تن تن
خودمونه!...چه‌تصادف‌خوشی!
ایوان بازش‌کن ، من مواظبش هستم .
اتومبیلو حاضرش‌کن ، فوری
راه می‌افتیم ...
تو بیخود پاتو تـو کفش مـا کـردی .
حالا دیگه مجبورم‌که سرتو زیرآب‌کنم .
حتماًخبر نداشتی‌که من رئیس تیمارستان
هستم. اما خاصیت تیمارستان من اینه‌که
هرکی توش میاد دیوونه نیست ...
...امابعداز هشت‌روز دواودرمان‌مخصوص
واقعاً دیوانه میشه صبر کـن ، یك تلفن
بزنم و بعد خدمت میرسم ...
اگه میشد ...
الو ؟... بیمارستان ؟... جوان بیماری‌رو
براتون میارم کـه خیلی خطرناکه... و
باید به طریق «ب»
معالجه بشه، بله..بله..
... یه نیمسوز
از بخاری کش
می‌رفتم .
عالي شد ؛ طناب
داره میسوزه ...
البته... مطابق معمول ظاهراً حالش
خیلی خوبه... اما...

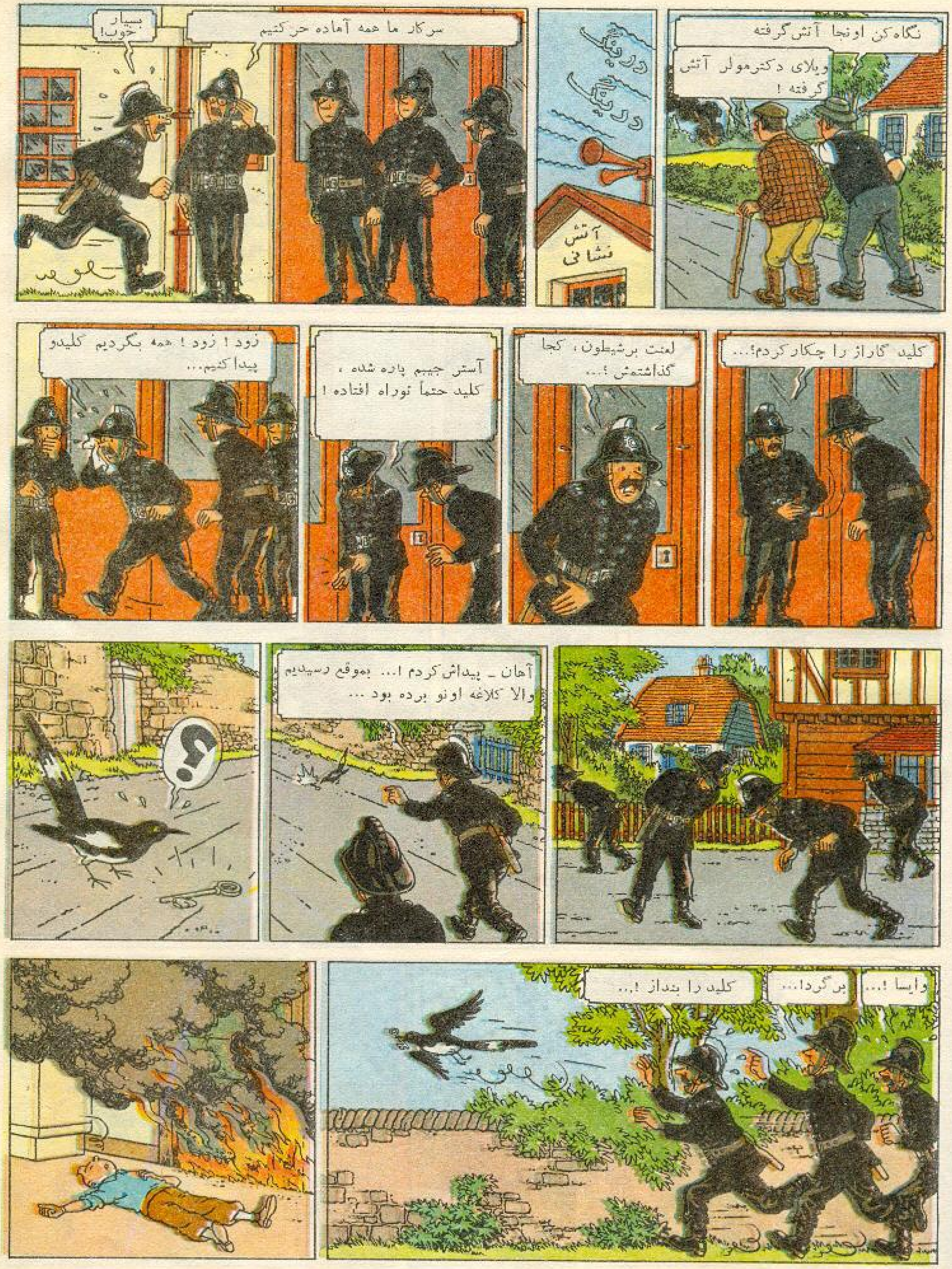


رو به راه شد!
آره چطورم رو به راه شد!
تق
تق
؟!
زود ... هفت تیر ...


لعنت برشیطون !
هفت تیر خالیه ...
!
آخ !
اُوه !
حالا وقت تسویه حسابه !
راستی هفت تیر ایوان !
این یکی پُره .

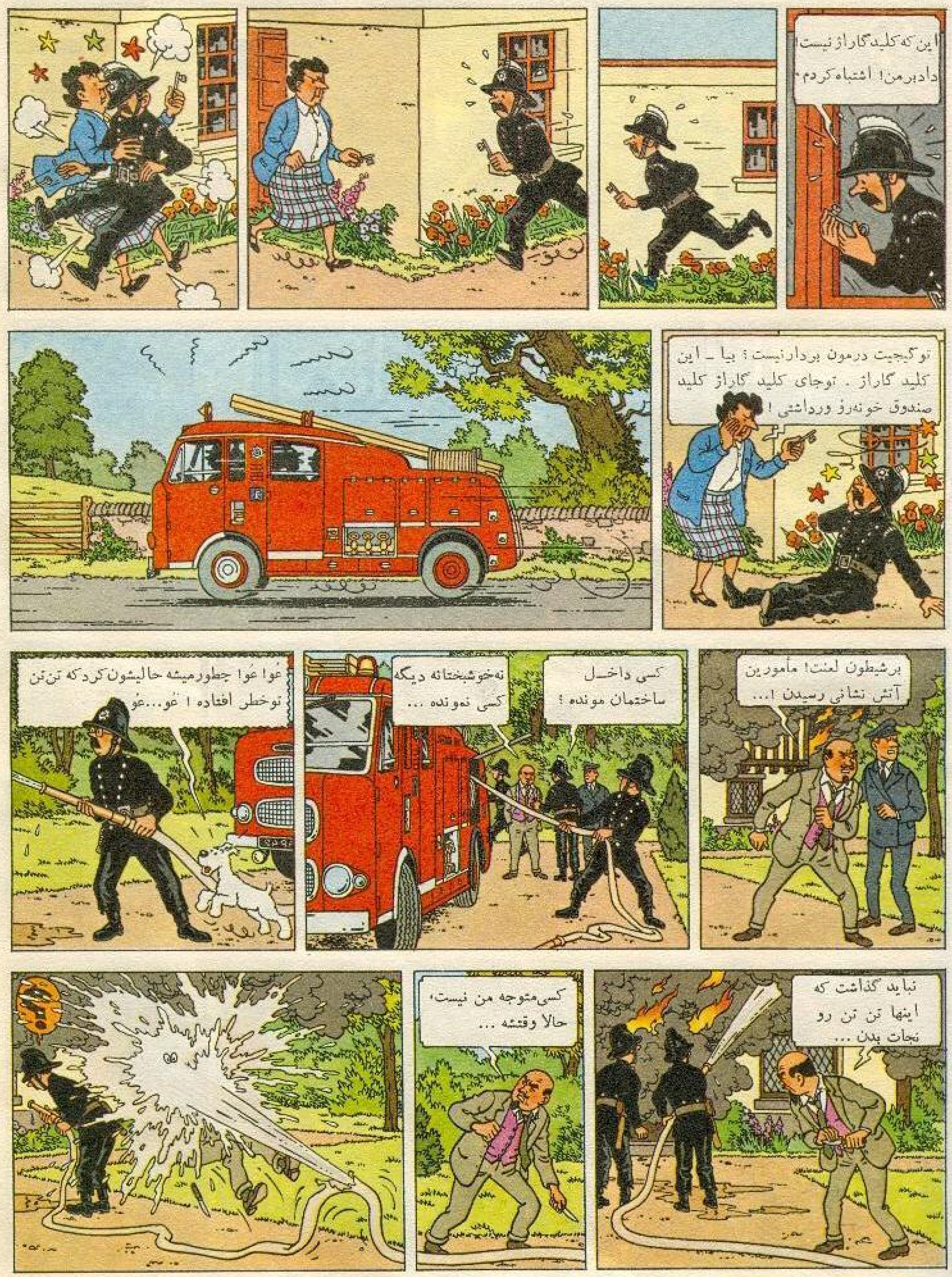


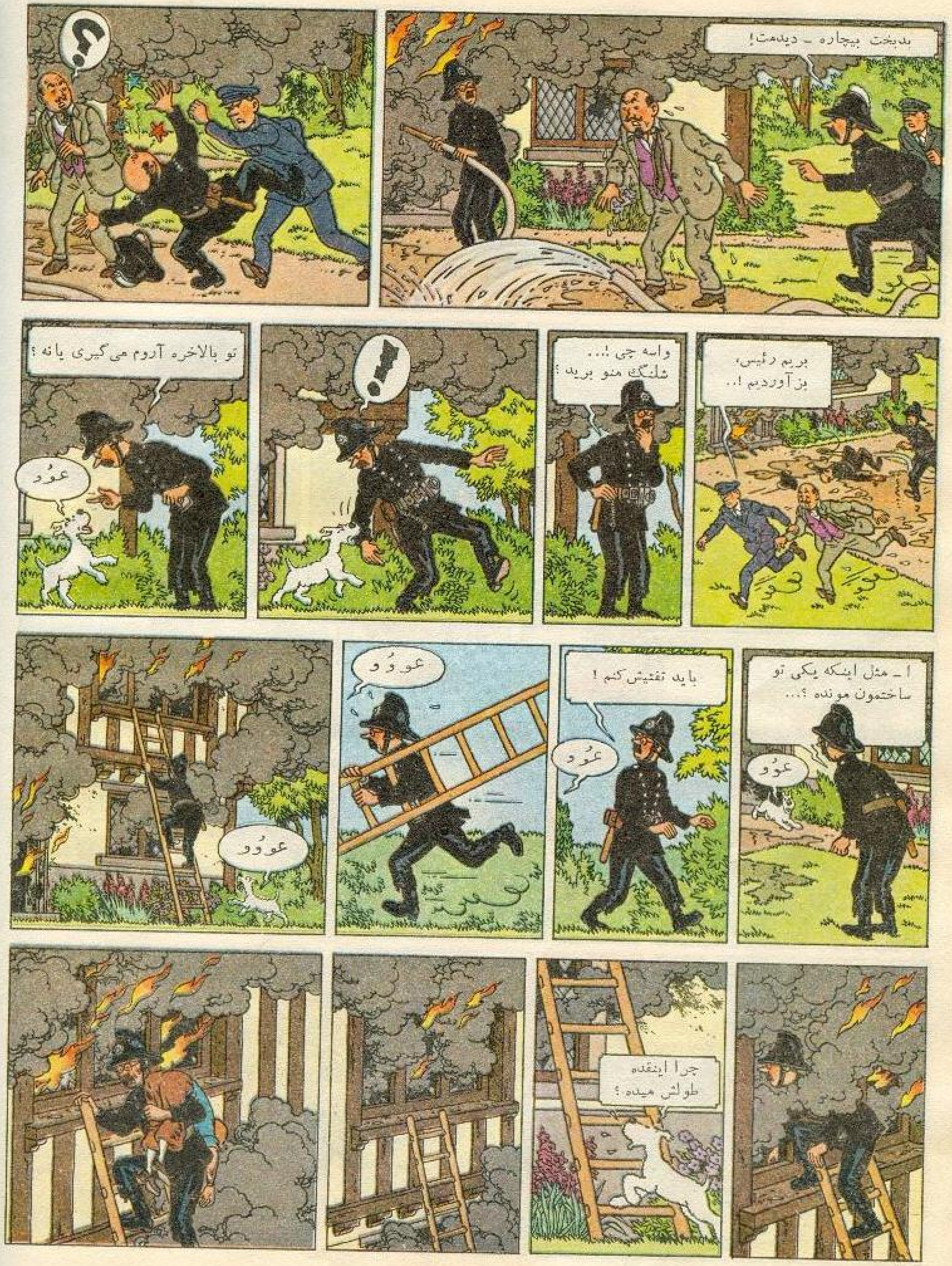
تق تق
تق تق
جرینگ
داروی بیهوشی
آتش سوزی !
آتش
لعنت برشیطون ، نیم سوزی که انداختم
باعث آتش سوزی شده !
آتش سوزی حقیقت داره یا
کلك زدن منو بیرون بکشن؟
خدایا چرا اینطوری
خوابم گرفته . حالا
کـه وقت خوابیدن
نیست. نباید بخوابم.
نباید ...



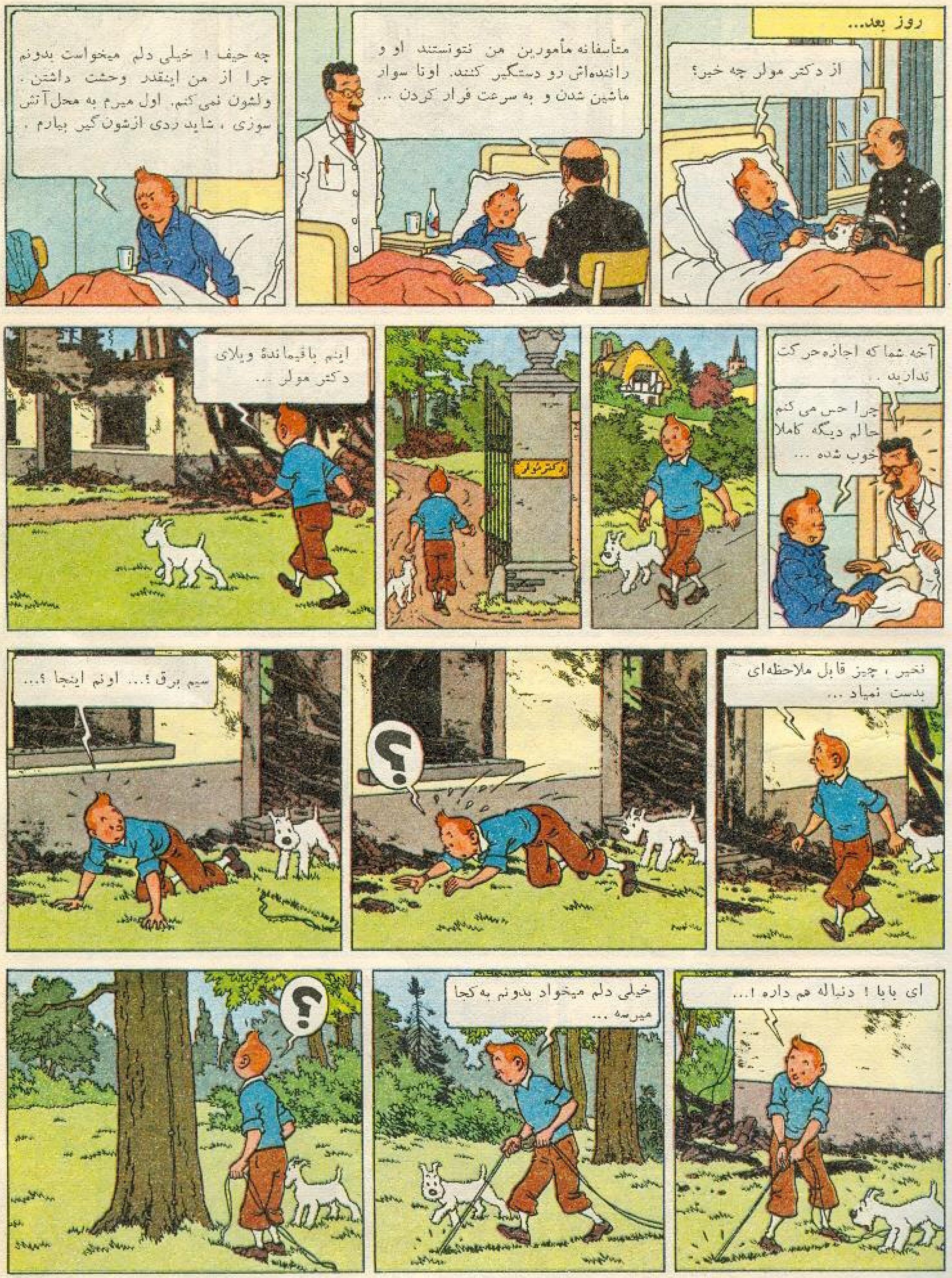
نگاه کن اونجا آتش گرفته
ویلای دکتر مولر آتش گرفته !
درینگ
درینگ
آتش نشانی
سرکار ما همه آماده حرکتیم
بسیار خوب!
کلید گاراژ را چکار کردم؟!...
لعنت بر شیطون، کجا گذاشتمش؟...
آستر جیبم پاره شده، کلید حتماً توراه افتاده!
زود! زود! همه بگردیم کلیدو پیدا کنیم...
آهان ـ پیداش کردم!... بموقع رسیدیم والا کلاغه اونو برده بود...
وایسا!...
برگرد!...
کلید را بنداز!...


گیرش آوردم!
آخ !
آخ !
چکار میکنی سر کار ؟...
یك... یك ثانیه... من...


این که کلید گاراژ نیست! داد بر من! اشتباه کردم!
توگیجیت درمون بردار نیست؛ بیا - این کلید گاراژ. توجای کلید گاراژ کلید صندوق خونه‌رو ورداشتی!
برشیطون لعنت! مأمورین آتش نشانی رسیدن!...
کسی داخل ساختمان مونده؟
نه‌خوشبختانه دیگه کسی نمونده ...
عُو! عُو! چطورمیشه حالیشون کرد که تن‌تن توخطر افتاده! عُو...عُو
نباید گذاشت که اینها تن تن رو نجات بدن ...
کسی متوجه من نیست، حالا وقتشه ...



?!
بدبخت بیچاره ـ دیدمت!
بریم رئیس،
بز آوردیم !..
واسه چی !...
شلنگ منو برید ؟
!
تو بالاخره آروم می گیری یانه ؟
عوُو
ا ـ مثل اینکه یکی تو
ساختمون مونده ؟...
عوُو
باید تفتیش کنم !
عوُو
عوُوُو
عوُوُو
چرا اینقده
طولش میده ؟


روز بعد...
از دکتر مولر چه خبر؟
متأسفانه مأمورین من نتونستند او و رانندهاش رو دستگیر کنند. اونا سوار ماشین شدن و به سرعت فرار کردن ...
چه حیف ! خیلی دلم میخواست بدونم چرا از من اینقدر وحشت داشتن. ولشون نمی کنم. اول میرم به محل آتش سوزی ، شاید ردی ازشون گیر بیارم .
آخه شما که اجازه حرکت ندارید ..
چرا حس می کنم حالم دیگه کاملا خوب شده ...
اینم باقیماندهٔ ویلای دکتر مولر ...
نخیر ، چیز قابل ملاحظه‌ای بدست نمیاد ...
؟
سیم برق ؟... اونم اینجا ؟...
ای بابا ! دنباله هم داره !...
خیلی دلم میخواد بدونم به کجا میرسه ...
؟

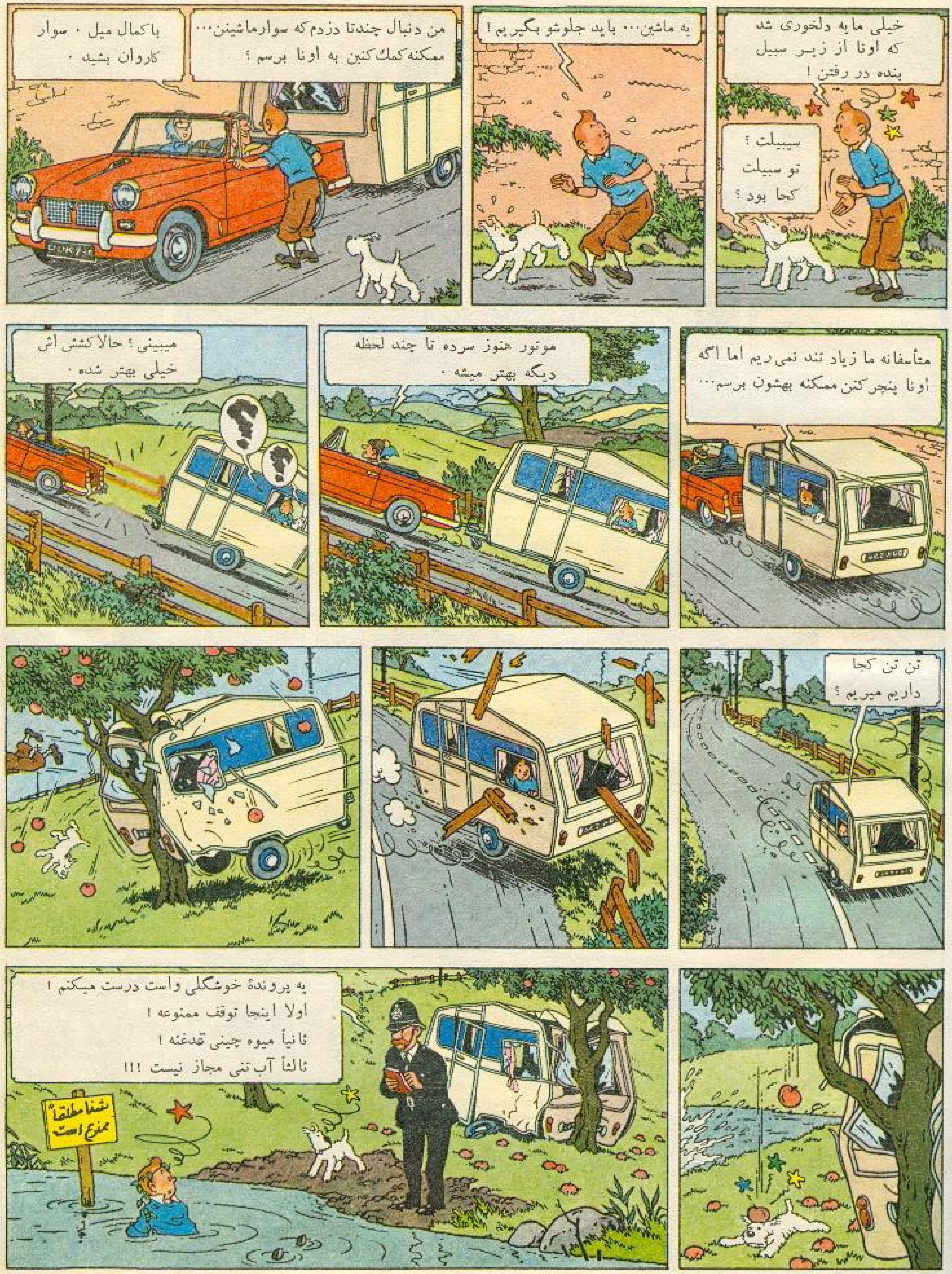

یك نورافکن قرمز!.. بچه درد میخوره ؟...
?
تموم نشد، سیم باز دنباله داره ...
ببینیم ! اینکار خیلی طول میکشه ؟
اینجا یك نورافکن دیگه هست ...
اینهم سومیش ...
عجیبه! این نورافکنها یك مثلث تشکیل میدهند ...
آها !
حالا فهمیدم ۳ ن.ق یعنی چه ؛ یعنی نورـ افکن قرمز به شکل مثلث ... این علامتی بوده برای اون هواپیمای مرموز .
ساعت ۲۴-۱
در همین هنگام...
بدبختی اینه که یك هواپیما امشب باید برام جنس بیاره. اگه نورافکنها روشن نباشن هواپیما نمیشینه . منهم دیگه یکشاهی پول ندارم .
من نقشهٔ خوبی دارم. بعقیدهٔ من بهتره برگردیم . نورافکنها رو روشن کنیم . وقتی هواپیما جنسها را تحویل داد ما اتومبیلو بار میزنیم وفرارمیکنیم. فردا صبح هم از مملکت خارج میشیم . نظر تو چیه ؟
موافقم رئیس.
و شب..
لعنت برشیطون . تمام سیمارو از زمین بیرون آوردن . حتماً از جریان کار ما خبرشدن .
نگاه کن رئیس ...
نورافکنها روشن اند!


بغیر از ما یکی‌دیگه هم منتظر رسیدن‌هواپیماست بنابراین نباید بذاریم اجناس تحویل داده شه . چون همهٔ نقشه ها کشف میشه . باید نورافکنهارا خاموش کرد . زود سیمارو قطع کنیم !...
عجیبه ، نگاه‌کن نورافکنها هنوز روشن هستند !
بالاخره هواپیما امشب میاد ؟
میتونیم شروع کنیم هر سه چراغ قرمز روشن شده ...
هواپیما رسید چکار بکنیم ؟
این یکی ...
از هواپیما چیزی انداختن ...
بریم ببینیم چیه .
داد بیداد، باز سروکلهٔ تن‌تن پیدا شد
اینهم دوتا !
باز هم!
این یکی‌همین‌نزدیکی‌افتاده. اول میرم سراغ همین .
کم کم داره خیلی‌چیزا برام روشن میشه ...

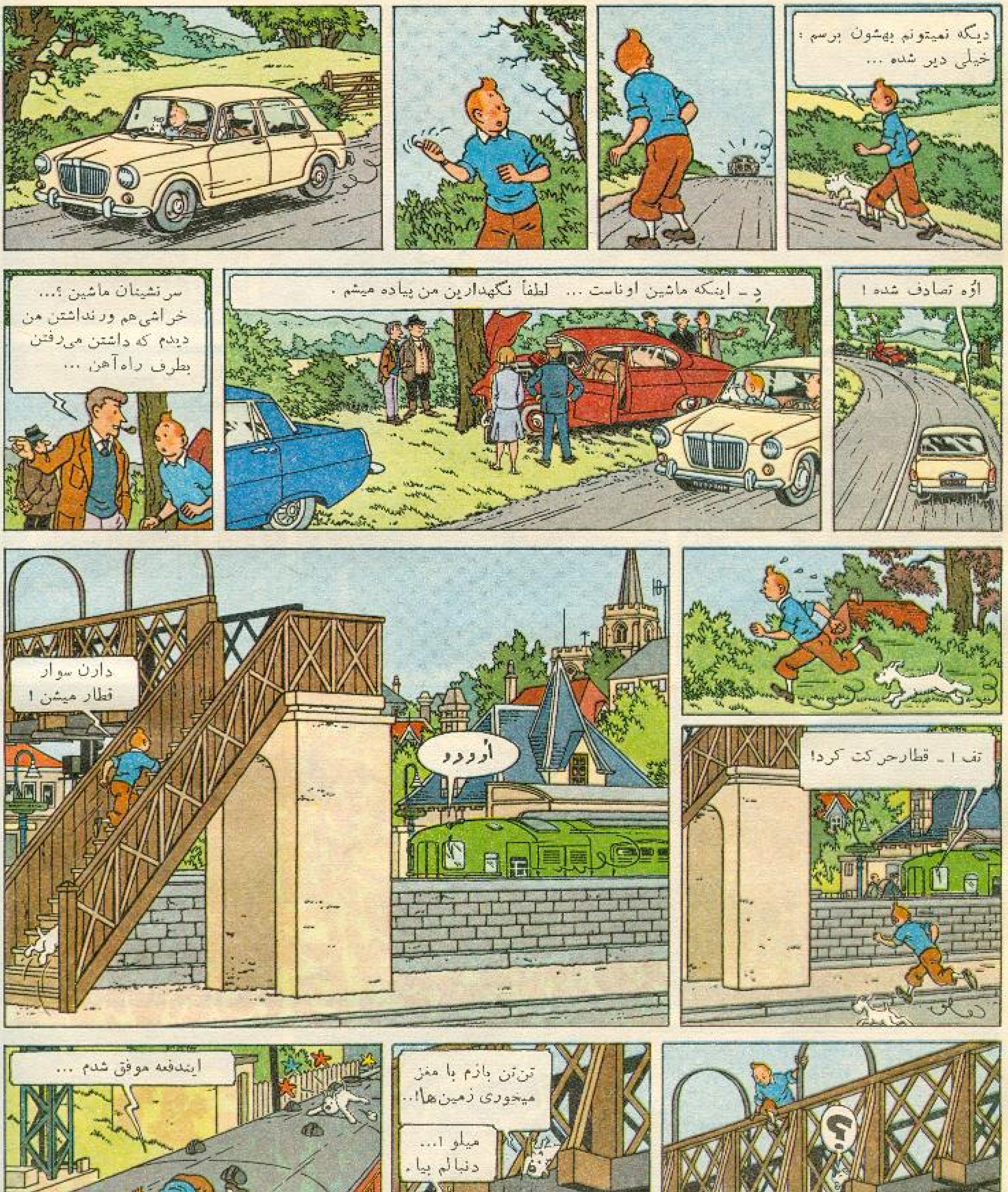

اینهم سومی !
اینا کمانیجان
وایسا !
وایسا! وایسا! والاشلیك میکنم!..
خیال کرده حرفشو گوش می کنم . توی این تاریکی که نمیتونه منو با تیر بزنه...
تسلیم شو !...
ترق
باشه. تسلیم میشم دیگه شلیك نکن !...


آقای تن تن من بازم باید اینطوری وایسم؟
تن تن پاشو . . .
اوهو!
حالا فهمیدم این احمق پاشو گذاشته روی شن کش . . . هه . . . هه . . . زود هفت تیر را بردارم .
مواظب باش تن تن!
بد نشد! . . .
«ناک اوت» !
اول باید اینارو به دقت باطناب ببندیم . . .
چون طناب نیست ناچارم شما را با سیم برق ببندم . .
حالا ببینیم تو کیسه‌ها چی‌هست . . .
اسکناس!؟
جاعلین اسکناس ، پس اسکناس جعل می کردین؟! . . . دیگه دخلتون اومده .
حالا بریم دو تا کیسه دیگه رو پیدا کنیم . . .
اینم دومی! . . .

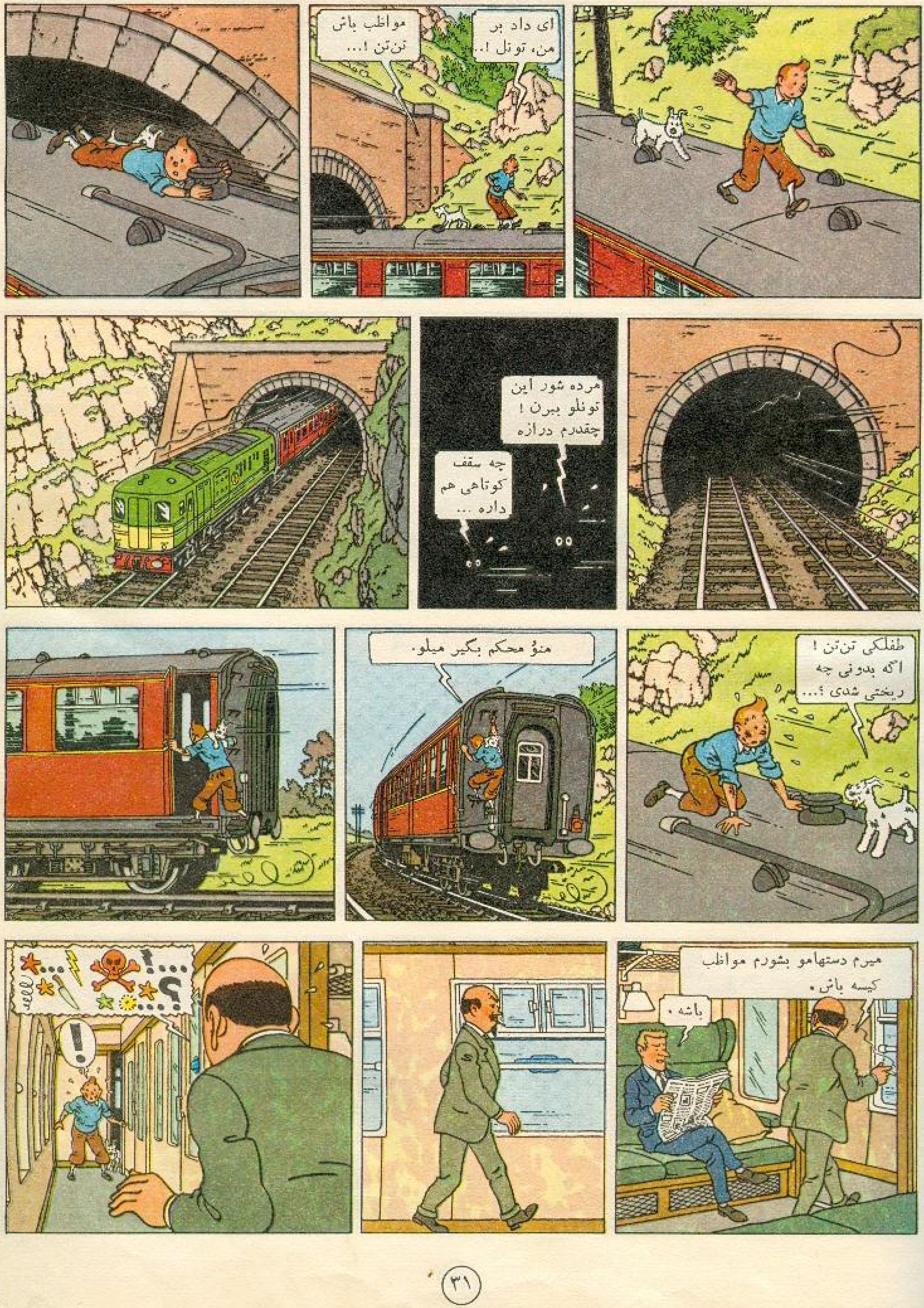

دِهه دارن فرار میکنن ! ...
فهمیدم اونا سیمها رو اتصال دادن و بعد در رفتن !
زودباش ایوان !
حیف اونا اتومبیل دارند ، بنابراین از چنگ من فرار میکنن! ... نقشه خوبی به فکرم رسید !
اگه اونا از این طرف بیان ممکنه بگیرمشون .
دیگه چه فکر بکری بهمغزش رسیده ؟
دارن میان ...
باید کاملا مواظب باشم درست بموقع بپرم ...
نگه دار !
تو نمیتونستی مثل من از در بیایی بیرون ، حتماً باید آکروباسی در بیاری !



خیلی مایه دلخوری شد که اونا از زیر سبیل بنده در رفتن !
سیبیلت ؟ تو سبیلت کجا بود ؟
به ماشین... باید جلوشو بگیریم !
من دنبال چندتا دزدم که سوارماشینن... ممکنه کمک کنین به اونا برسم ؟
باکمال میل . سوار کاروان بشید .
متأسفانه ما زیاد تند نمی‌ریم اما اگه اونا پنچر کنن ممکنه بهشون برسم...
موتور هنوز سرده تا چند لحظه دیگه بهتر میشه .
میبینی ؛ حالا کشش اش خیلی بهتر شده .
تن تن کجا داریم میریم ؟
به پروندهٔ خوشگلی واست درست میکنم !
اولا اینجا توقف ممنوعه !
ثانیاً میوه چینی قدغنه !
ثالثاً آب تنی مجاز نیست !!!
شنا مطلقاً ممنوع است

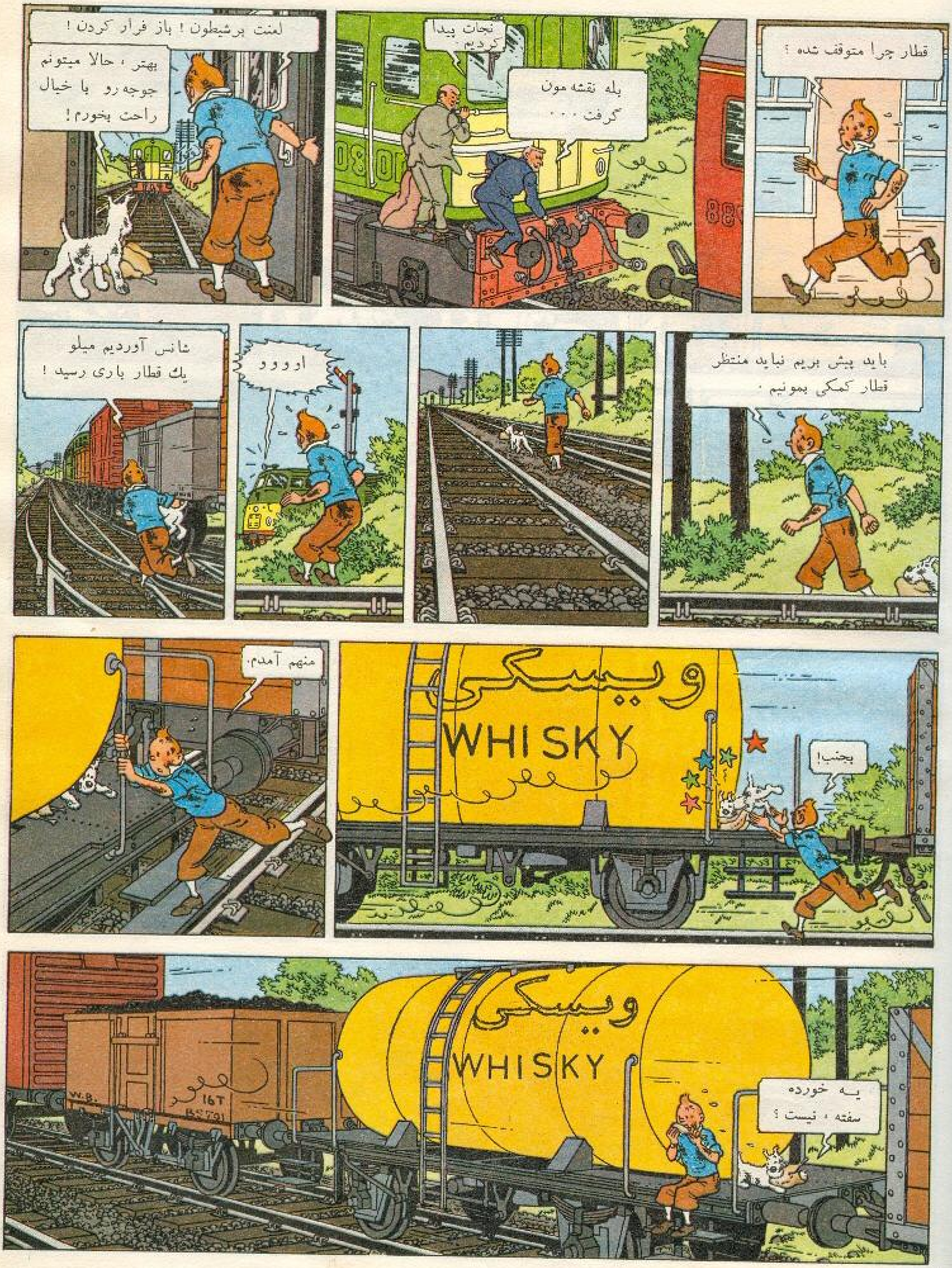


دیگه نمیتونم بهشون برسم ؛ خیلی دیر شده ...
اُوه تصادف شده !
دِ ـ اینکه ماشین اوناست ... لطفاً نگهدارین من پیاده میشم .
سرنشینان ماشین ؟... خراشی‌هم ورنداشتن من دیدم که داشتن می‌رفتن بطرف راه‌آهن ...
دارن سوار قطار میشن !
اُوووو
تف ! ـ قطارحرکت کرد!
تن‌تن بازم با مغز میخوری زمین‌ها!..
میلو !... دنبالم بیا .
اینذفعه موفق شدم ...


ای داد بر من، تونل !..
مواظب باش تن‌تن !...
مرده شور این تونلو ببرن ! چقدرم درازه
چه سقف کوتاهی هم داره ...
طفلکی تن‌تن ! اگه بدونی چه ریختی شدی ؟...
منو محکم بگیر میلو.
میرم دستهامو بشورم مواظب کیسه باش.
باشه.
!

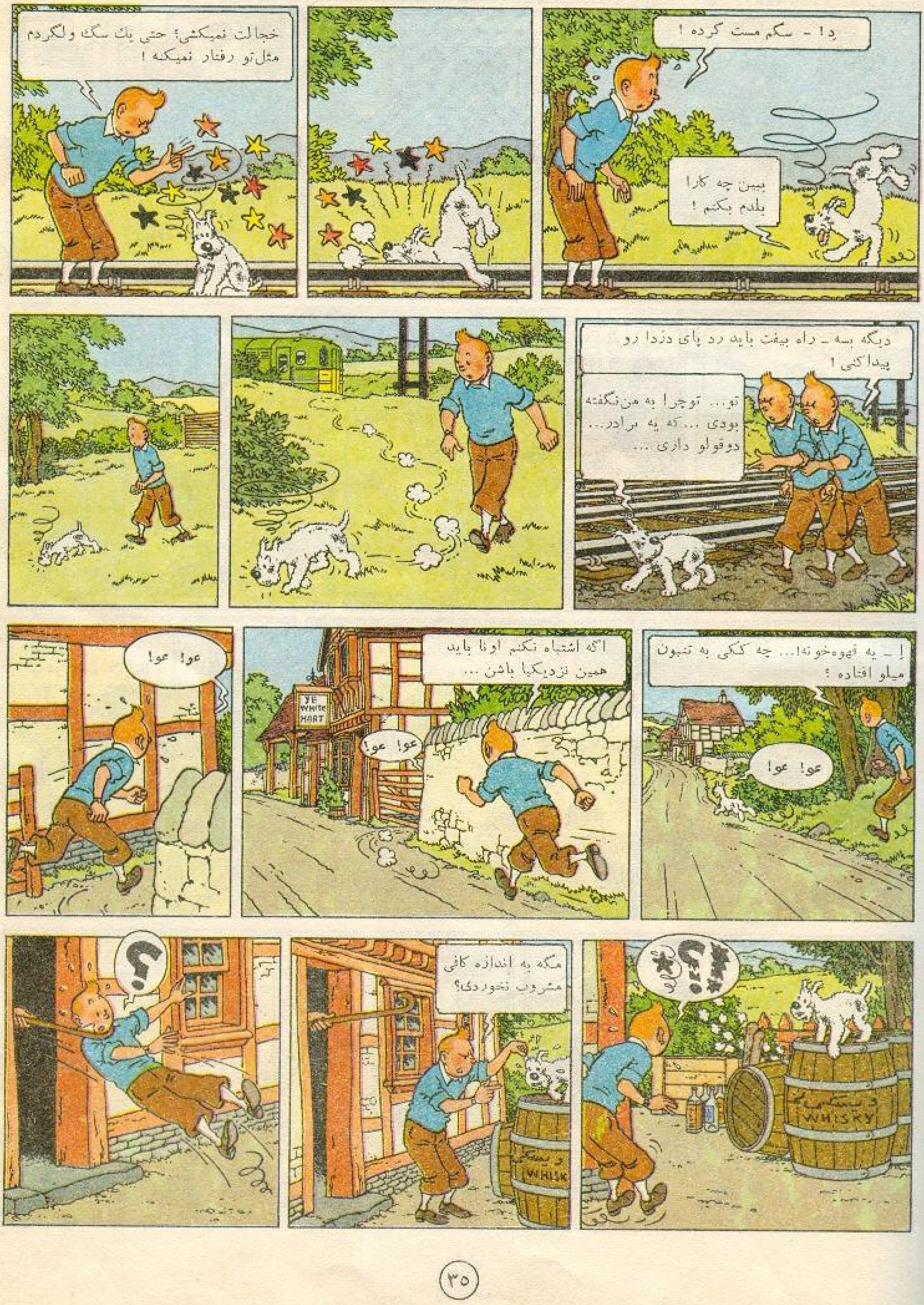


وایسا !
جلوشو بگیرین ...
این سرو صدا چیه ؟
چه خبره جوان ؟
بذار رد شم !
فوری فرار کن. تن تن تو قطاره ...
خیلی احمقانه است اینهمه وقت تلف کردم تا به اونا حالی کنم دنبال دزدها هستم ...
دیگه چه اتفاقی افتاده ؟
میخواهید مرغو براتون ببرم خانم ؟
بله .
مواظب باش !
تمام شد ؟
بله... تقریباً تمام کردم .

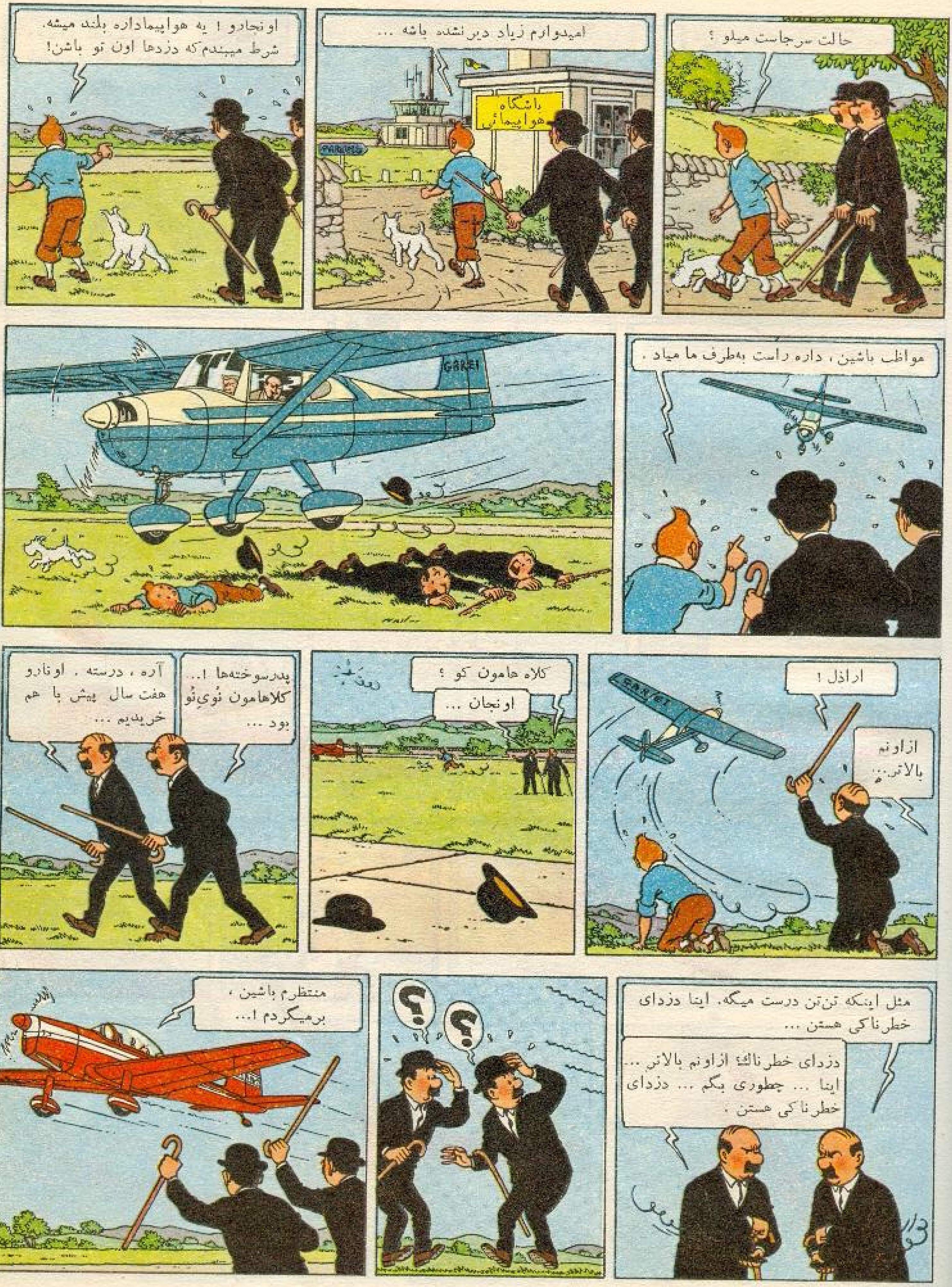


قطار چرا متوقف شده ؟
نجات پیدا کردیم
بله نقشه مون گرفت ...
لعنت برشیطون ! باز فرار کردن !
بهتر ، حالا میتونم جوجه رو با خیال راحت بخورم !
باید پیش بریم نباید منتظر قطار کمکی بمونیم .
اووو
شانس آوردیم میلو یك قطار باری رسید !
ویسکی
WHISKY
بجنب!
منهم آمدم.
ویسکی
WHISKY
یه خورده سفته ، نیست ؟


ویسکی
WHISKY
دِ! - داره بارون میاد؟...
نه بارون نیست، اما هرچی هست خوشمزه است!...
آه فهمیدم سوراخ شده.
برم سر و صورتی صفا بدم.
نگه دار!
به ایستگاه رسیدیم؟ نه. پس چرا نگه داشتن؟...
یه لوکوموتیو اینجا ایستاده؟... خیلی عجیبه!...
لوکوموتیو دزدهاست... شاید راننده‌اش بدونه اونا کجا رفتن...
داداش چی شده... چه اتفاقی افتاده؟
به من گفتن «وایسا»، بعد گفتن برگرد... منم وایسادم، بعد برگشتم، تا برگشتم یکی محکم زد توسرم منم بیهوش شدم. نفهمیدم اونا کجا رفتن.
مهم نیست، سگ من راحت رد پاشونو پیدا میکنه.
میلو کجائی؟ میلو!... میلو!...
میلو!...
من...اینژام...من... هشتم ...چه‌خبرشده؟...


دا - سگم مست کرده !
ببین چه کارا بلدم بکنم !
خجالت نمیکشی؛ حتی یک سگ ولگردم مثل تو رفتار نمیکنه !
دیگه بسه ـ راه بیفت باید رد پای دزدا رو پیدا کنی !
تو... توچرا به من نگفته بودی ... که یه برادر... دوقولو داری ...
اِ ـ یه قهوه‌خونه!... چه کِکی به تنبون میلو افتاده ؟
عو! عو!
اگه اشتباه نکنم اونا باید همین نزدیکیا باشن ...
YE WHITE HART
عو! عو!
عو! عو!
مگه به اندازه کافی مشروب نخوردی؟
WHISKY
WHISKY


آکه هی!...
خوب بالاخره بهم رسیدیم - ها؟
اونا!
چی؟
اینقعه میگیرمتون!
بچه‌جون ترمز! درنرو ...
ولم کنین، دِ میگم ولم کنین، اونا دزدن!
بسه دیگه، کلك نزن!
چطوری تونسته با این سرعت خودشو برسونه اینجا؟
دارین اشتباه می کنین. باور کنین که اینا دزدای خطرناکی هستن ..
ممکنه.اما باید اول‌ترو توقیف کنیم. سوء قصد تو قطار یادت هست؟...
بازهم‌همون داستان‌احمقانه... گوش کنین، منوآزاد بذارید تا دزدا رو بگیرم بعد خودم میام تا زندانیم کنین ..
خوب؛ نظر تو چیه؟
به نظر من... این خلاف مقرراته، اما... شاید بتونیم ...
خوب باشه، ما ترو آزاد میذاریم اما همه‌جا باهات هستیم
اگه راست بگه و بتونه اونا را دستگیر کنه افتخارش نصیب ما میشه!


حالت سرجاست میلو ؟
امیدوارم زیاد دیر نشده باشه ...
باشگاه هواپیمائی
اونجارو ! یه هواپیماداره بلند میشه.
شرط میبندم که دزدها اون تو باشن!
مواظب باشین ، داره راست به‌طرف ما میاد .
اراذل !
ازاونم بالاتر...
کلاه‌هامون کو ؟
اونجان ...
پدرسوخته‌ها !...
کلاهامون تُوی‌تو بود ...
آره ، درسته . اونارو هفت سال پیش با هم خریدیم ...
مثل اینکه تن‌تن درست میگه. اینا دزدای خطرناکی هستن ...
دزدای خطرناک؟ ازاونم بالاتر ...
اینا ... چطوری بگم ... دزدای خطرناکی هستن .
منتظرم باشین ،
برمیگردم !...



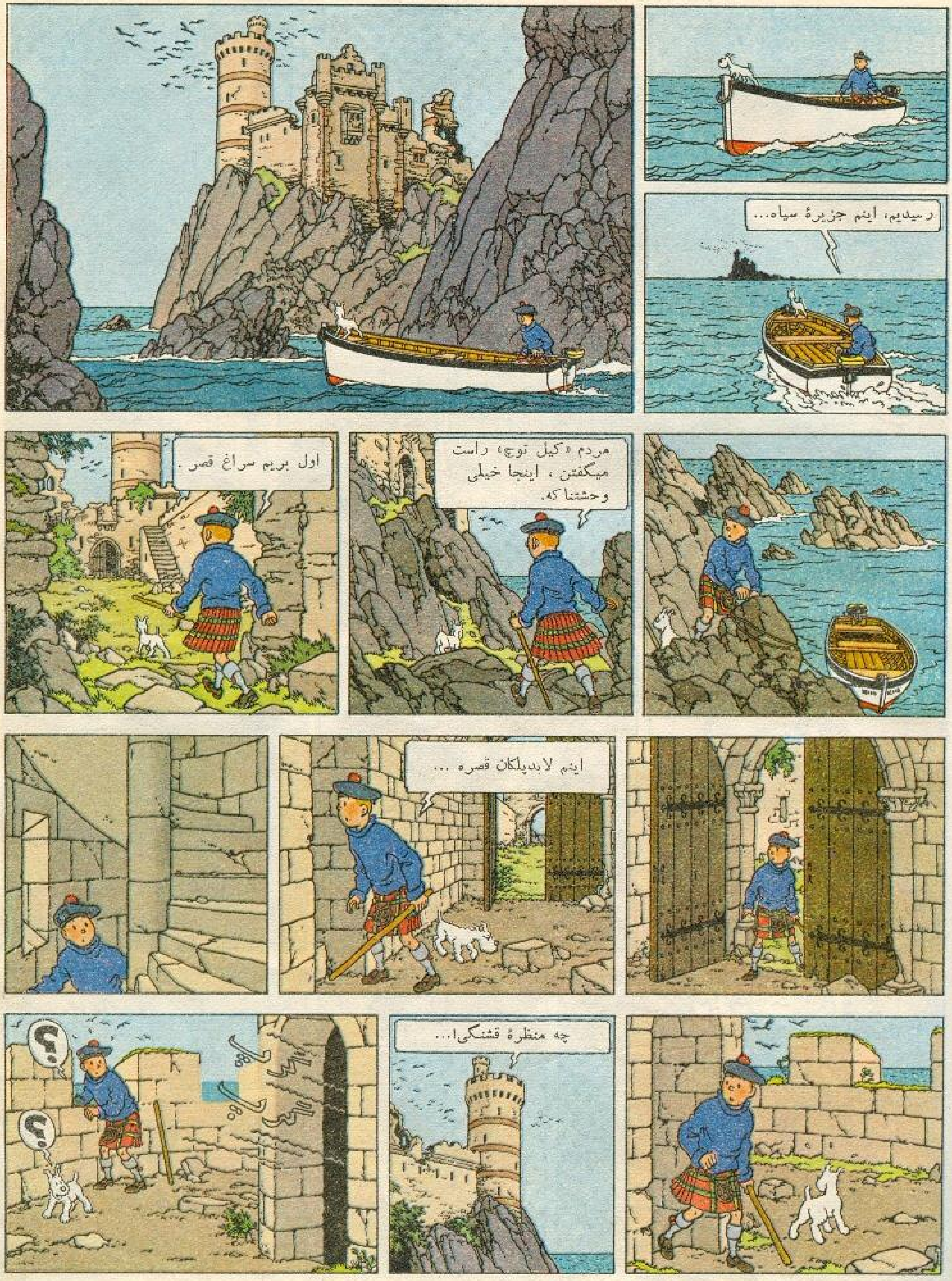
وقت را تلف نکنیم یك طیاره ، دیگه اونجاست.
پلیس !... طیاره را راه بیانداز ! باید فوری حرکت کنیم .
آخه من ...
آخه واگه نداره ، ما پلیس هستیم ! حرکت کن ما طیاره‌ات را تصاحب میکنیم توهم باید خلبانی کنی .
فهمیدی ؟
گاز بده خلبان !
بگو ببینم این اکروباسی کی تموم میشه ؟
من ... طور دیگه بلد نیستم ، چون این اولین باریه‌که خلبان شدم ، آخه من مکانیسین هستم .
زود بهشون میرسیم بشرطی که...
بعله ـ ازچیزی که می‌ترسیدم ، سرم اومد ...
G-ARCR
دیگه نمیتونیم اوناروببینیم...
مجبوریم فرود اجباری کنیم اگرنه ممکنه بطرف دریا بریم ...
بنظرم اینجا برای نشستن مناسبه ...
ای داد بیداد ! سنگچین !!!
شترق


؟
زخمی شدی ؟
طفلکی افتاده توتمشک‌ها.
خونهٔ من تااینجا راهی نیست ، بیا بریم اونجا لباساتو عوض کن ...
خیلی شانس آوردین...
بله، همینطوره!
گوش کنین،صدای موتور طیاره...
... بخاطر مه دیده نمیشه ...
باید بنشینی ...
بشما که گفتم بلد نیستم چکار باید بکنم !
احمق فرمونو ول کن !
فکرمیکنم باید اشهدو گفت !...
از اونم بالاتر...
بفرمائید
هرچی لازم داشته باشین اونجاست
متشکرم
؟
همه‌چی روبراهه؟
بله !... آمدم !
چطوره
ای داد !

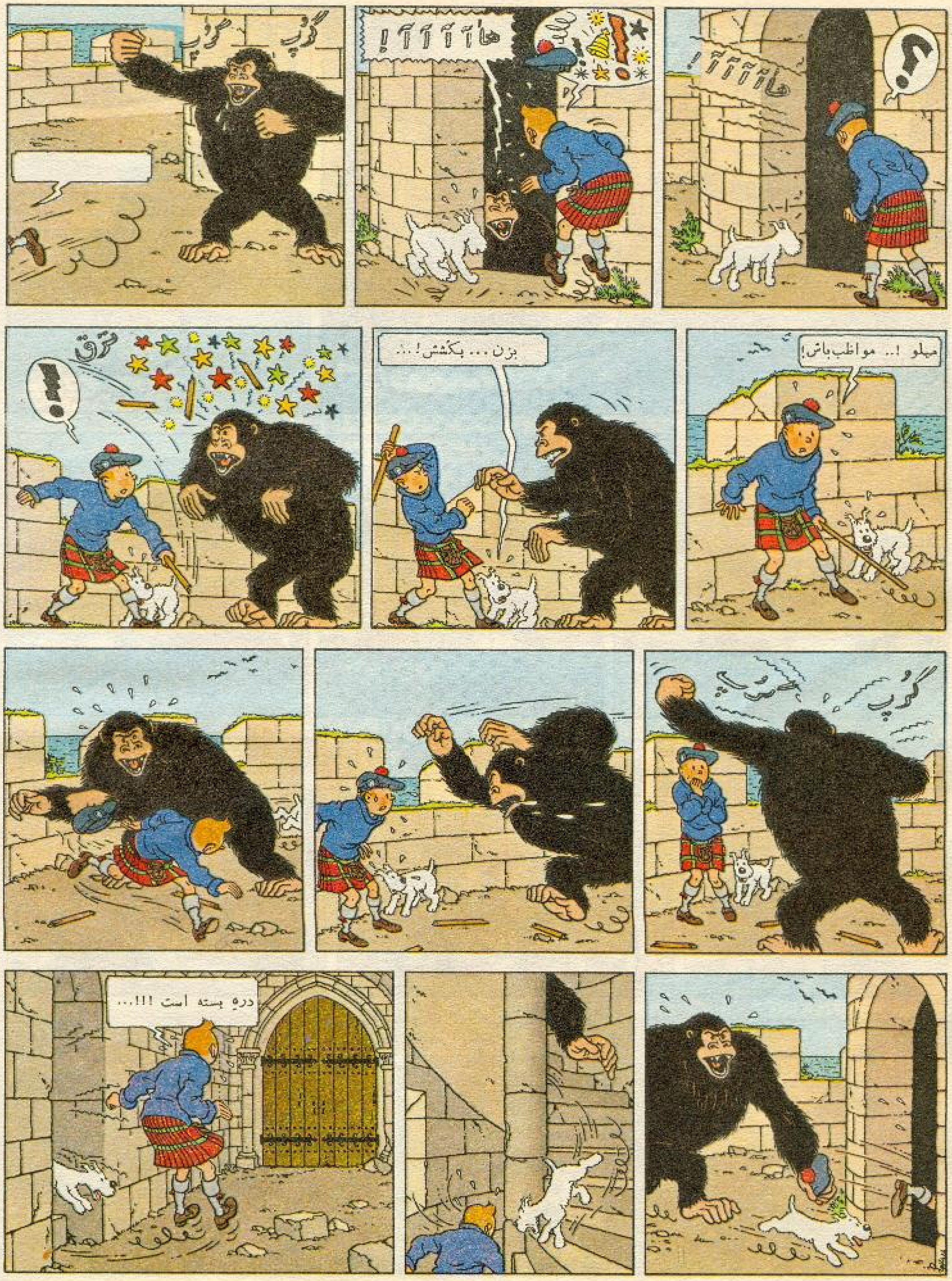

میلو !... باز که شروع کردی ؟
ویسکی
WHISKY
من فکر میکنم که این بهترین راه حل باشه ...
اگه باز مست کنی پدرتو درمیارم ! فهمیدی ؟
دیگه دیروقته ، این آقا از ما خواسته همینجا بخوابیم ...
مهمان نوازی اسکاتلندیا معروفه من باکمال میل قبول میکنم ..
صبح روز بعد ...
مه غلیظ دیشب در جزایر انگلستان حوادث زیادی ببار آورده ...
امروز صبح در ساحل « کیل توچ » در شمال اسکاتلند ، ماهیگیران به لاشه هواپیمائی بر خوردند، شواهد نشان میدهد که سرنشینان آن غرق شده‌اند .
باید همون هواپیمائی باشه که ما دیروز دنبالش بودیم . پس دیگه جستجو بیفایده‌است چون سرنشیناش مرده‌ان .
ممکنه ، اما برای اینکه مطمئن بشم میرم « کیل توچ ».
« کیل توچ » در ۲۰ میلی اینجاست . مواظب باش ازجاده خارج نشی .
خیله خُب .
۲۰ میل... کلی راهه. شب هم اونجا نمیرسیم .
!؟
میلو !... بیا اینجا !...
غُو !
غُو ! غو !

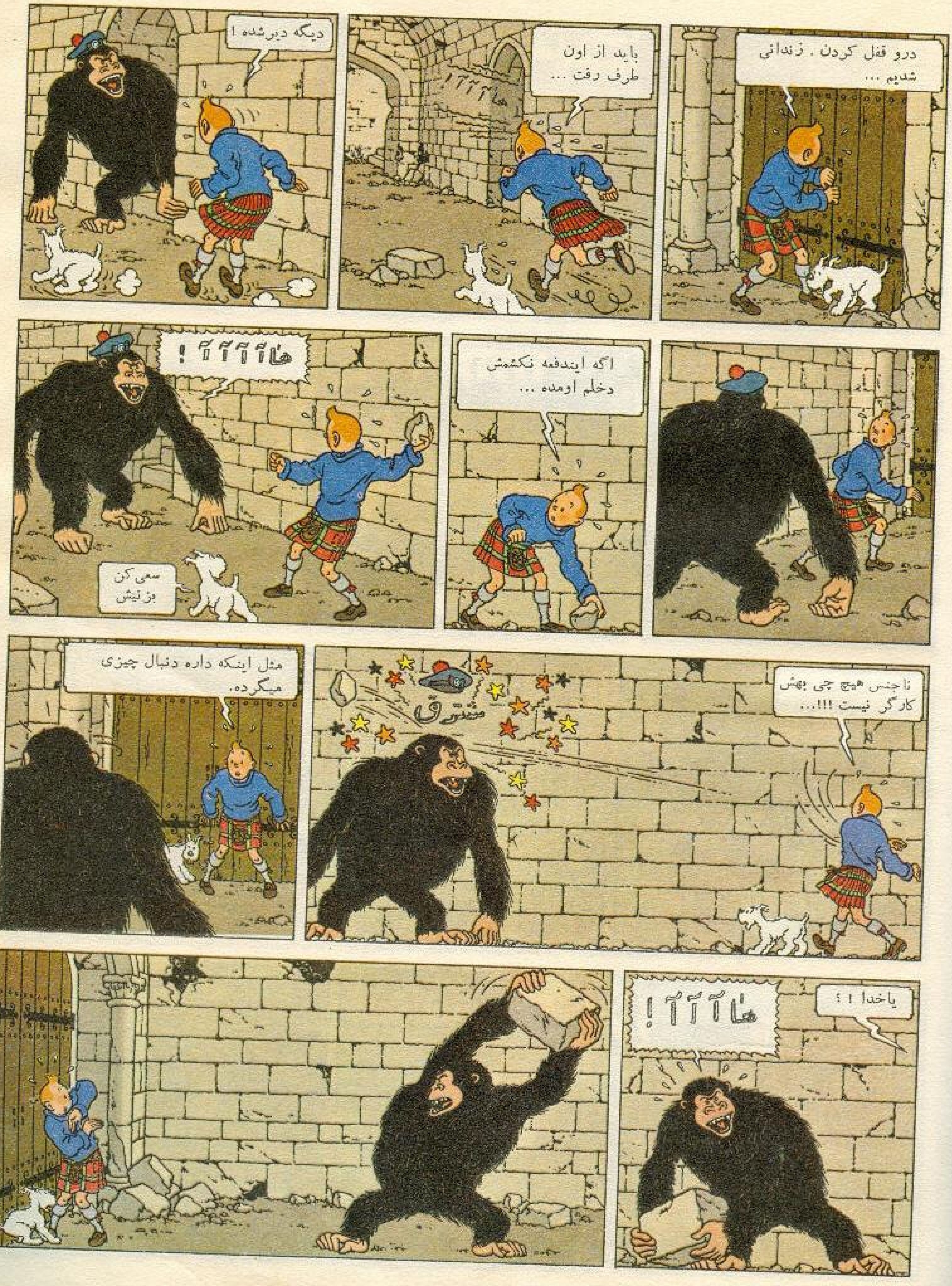

غوووو !
غوووو !
?
غوووو !
طفلکی میلو !
این چه‌کاری بود کردی ؟
باد ساحلی میاد، لابد داریم نزدیک میشیم ...
رسیدیم اینم «کیل‌توچ» ...
HOTEL
The Kiltoch Arms
PUBLIC BAR
سلام !
LOCH LOMOND SCOTCH WHISKY
ممکنه یه اطاق برای امشب بمن بدهید ؟
البته،غذاهم میل دارین
بله میخوام ... راستی جسد سرنشینان هواپیمائی‌که دیشب سقوط‌کرد پیدا شده ؟
هنوزکه نه .
هرگزهم پیدا نمیشه !
?
?
هرگز ...
آخه چرا ؟...
چرا ؟... هِهْ ! هِهْ ! هِهْ ! معلومه که اهل اینجا نیستی، لابدچیزیم راجع به‌حیوون نمیدونی ، ها !
?


منظور تون کدوم حیوونه ؟ شاید مقصودتون غول بیابونیه !
شوخی نکن جوون . مقصودم حیوون‌جزیرهٔ سیاهه . هر کی پاش به‌اونجا برسه حیوون میخوردش . .
سه‌ماه پیش دوتا جوون رفتن‌اونجا ،هر چیم گفتم نرید، گوش نکردن. با قایق رفتن . دریا آروم بود ، حتی نسیم هم نبود . اما دیگه هیچکی اونارو ندید . پارسال هم یك ماهیگیر «کیل توچی» ناپدید شد ...
اون روز مه غلیظی دریارو گرفته بود . بیچاره ماهیگیر راهش را گم کرد ورفت طرف‌جزیره . دیگه هیچکس ندیدش. سال پیشترهم... اگه بخوام همه کسانی‌رو که‌ناپدید شدند بشمرم قصه‌ام تمومی نداره.
حیوون وحشتناکیه‌گاهی شبا صداش با باد میاد به‌ساحل ..
گرپ
?
شام حاضره‌آقا !
متشکرم ... این موضوع عجیبه ،فردا میرم‌بجزیرهٔ سیاه .
روز بعد ...
ممکنه منو بجزیرهٔ سیاه ببرید ؟
جزیرهٔ سیاه ؟... میخواین برین بجزیرهٔ سیاه ؟ مگه از زندگی سیر شدین ؟
جزیرهٔ سیاه ؟... اگه همهٔ طلا های دنیارو بهم بدن‌اونور نمیرم. من کلی جوونیم رو دوست دارم .
جزیرهٔ سیاه ؟... ول‌کن بابا - کی ترو میبره‌اونجا !
حالا بریم سراغ این یکی
قایقتونو بمن اجاره میدین ؟
آره ، بلدی اونو راه ببری ؟
کجا میری ؟
میرم جزیرهٔ سیاه ...
جزیرهٔ سیاه ؟...نه داداش... چون تو برنمیگردی ،قایق من هم از بین میره.
قایق را میخرم.
بالاخره راه افتادیم ؟
یکی‌دیگه هم داره بطرف مرگ‌میره...

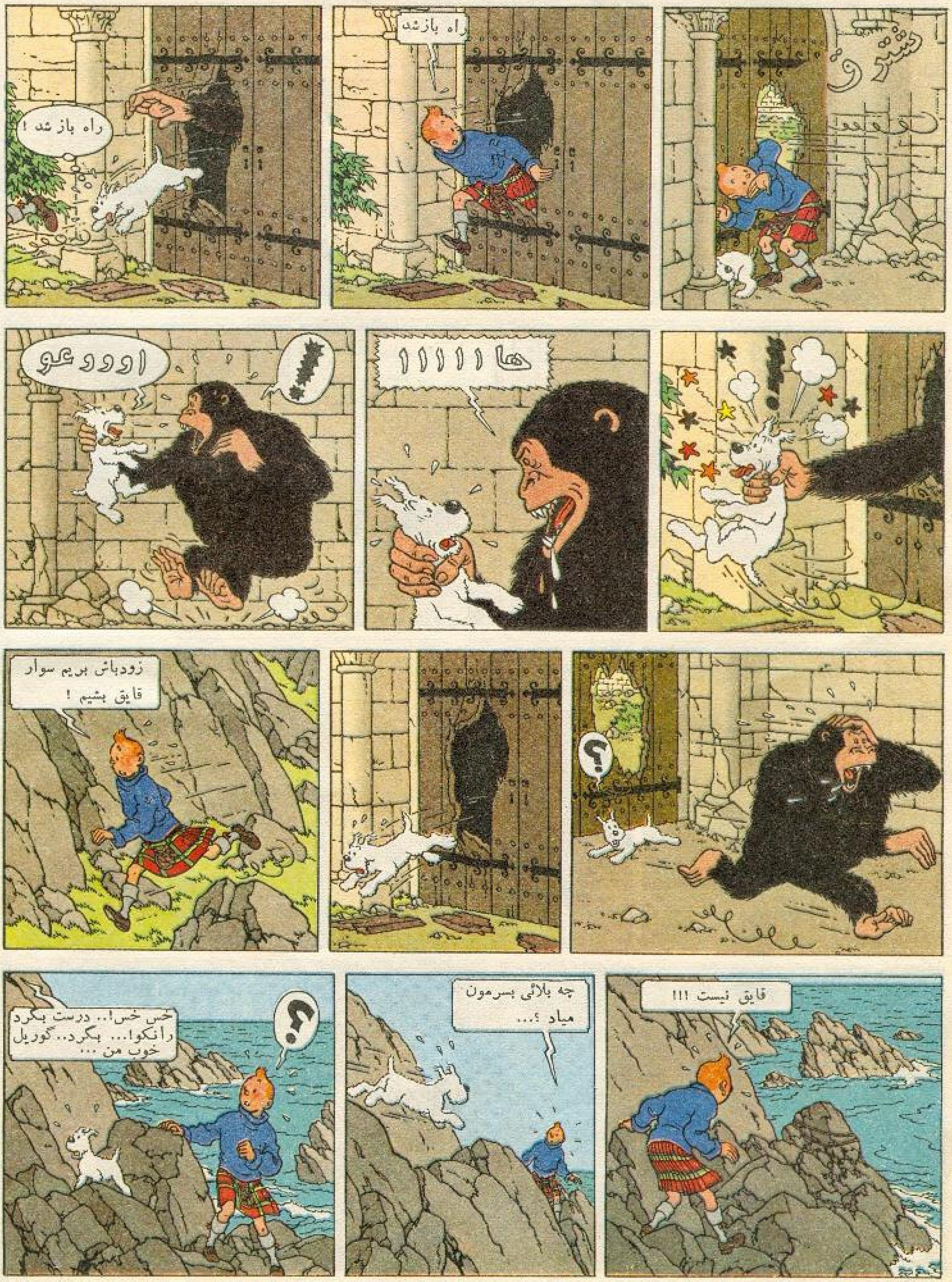


رسیدیم، اینم جزیرهٔ سیاه...
اول بریم سراغ قصر.
مردم «کیل تو‌چ» راست میگفتن ، اینجا خیلی وحشتناکه.
اینم لا‌بدپلکان قصره ...
چه منظرهٔ قشنگی!...


گرُپ گرُپ
هاآآآآآ!
هاآآآآ
؟
ترق
بزن ... بکُشش!..!..
میلو !.. مواظب باش!
گرُپ
دره بسته است !!!...



درو قفل کردن . زندانی شدیم ...
باید از اون طرف رفت ...
دیگه دیر شده !
اگه ایندفعه نکشمش دخلم اومده ...
هاآآآآآ !
سعی کن بزنیش
ناجنس هیچ چی بهش کارگر نیست !!!...
شترق
مثل اینکه داره دنبال چیزی میگرده.
یاخدا ! ؟
هاآآآآ !

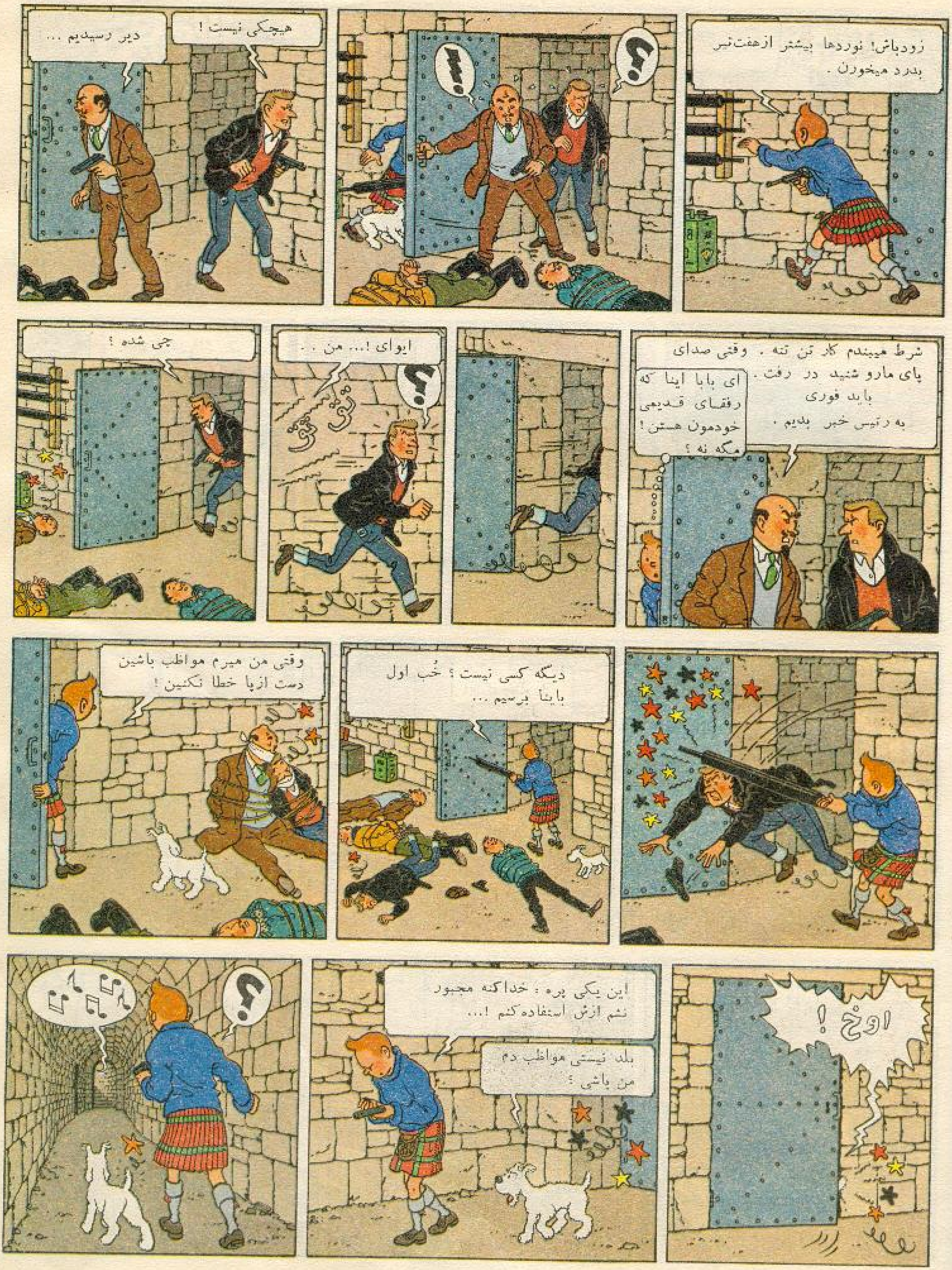

راه باز شد !
راه بازشد
شترق
اووو عو
ها !!!!!
زودباش بریم سوار
قایق بشیم !
خس خس!... درست بگرد
رانکوا... بگرد.. گوریل
خوب من ...
چه بلائی بسرمون
میاد ؟...
قایق نیست !!!

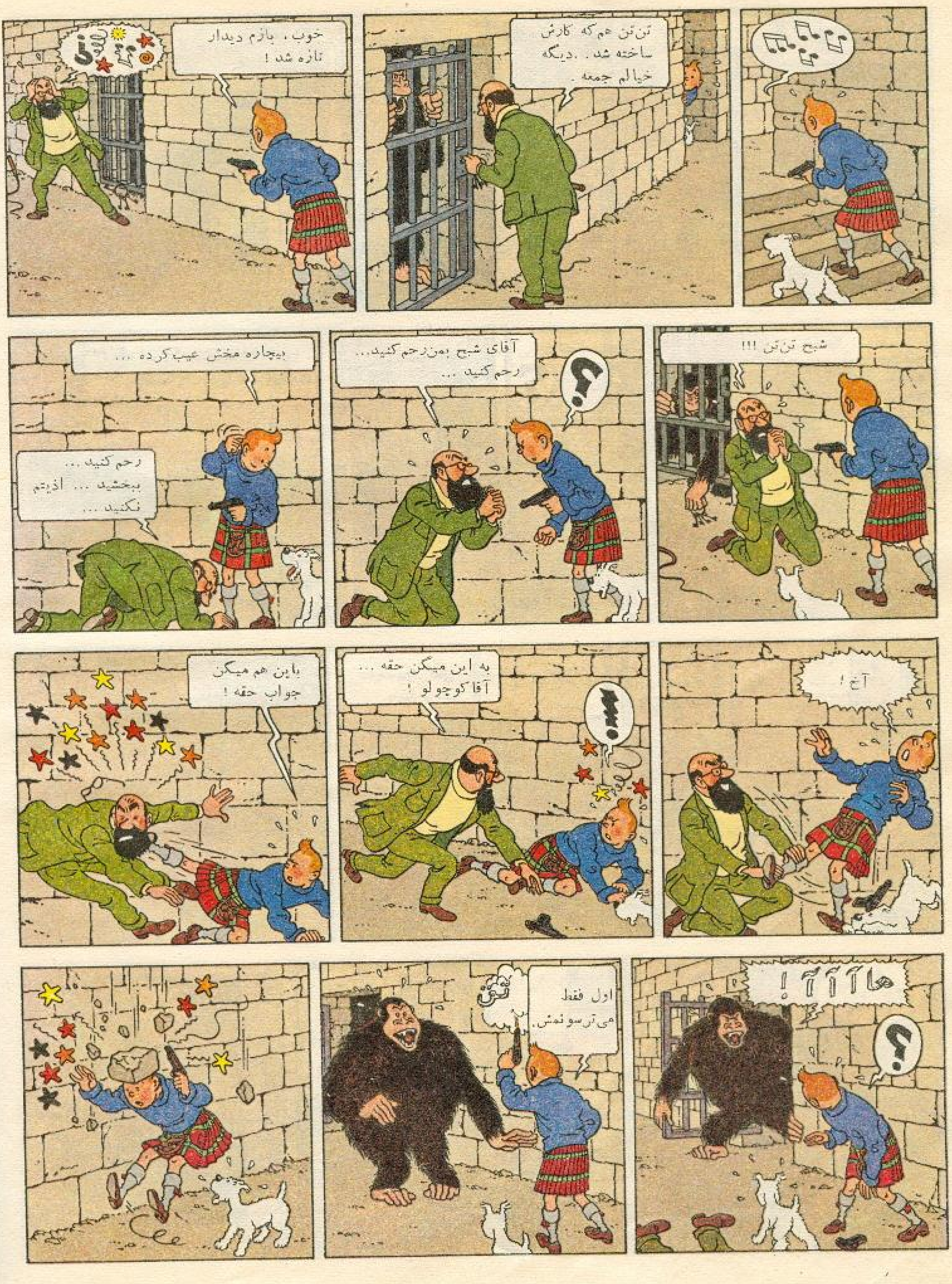

خس‌خس ! درست بگرد رانکو !...
حتماً یه نفر آدمم همراه گوریله هست ...
ها ااا !
اوووعو !
غار ... اگه بشه رفت توش خوبه ...
اوووعو !
چه خوب، توش جاداره،
سیس !... اومدن ...
«رانکو» یاالله ! خوب بگرد !
خب ! اینا قایم شدن ، گیر افتادن ...
ها ااا !
پیدامون کردن !.. ولی خوشبختانه نمیتونه بیاد تو ...
اوووعو !
آقای تن‌تن عزیز . تو از خطرای زیادی قصر در رفتی ،حتی از دست گوریل منم به سلامت جستی . واقعاً بتو تبریك میگم . اما ...
اما از مد دریا جان بسلامت نمیبری،مثل موش تو این سوراخ میمیری ، اونوقت شاید حتی آرزو کنی بیفتی به‌دست گوریل من رانکو !

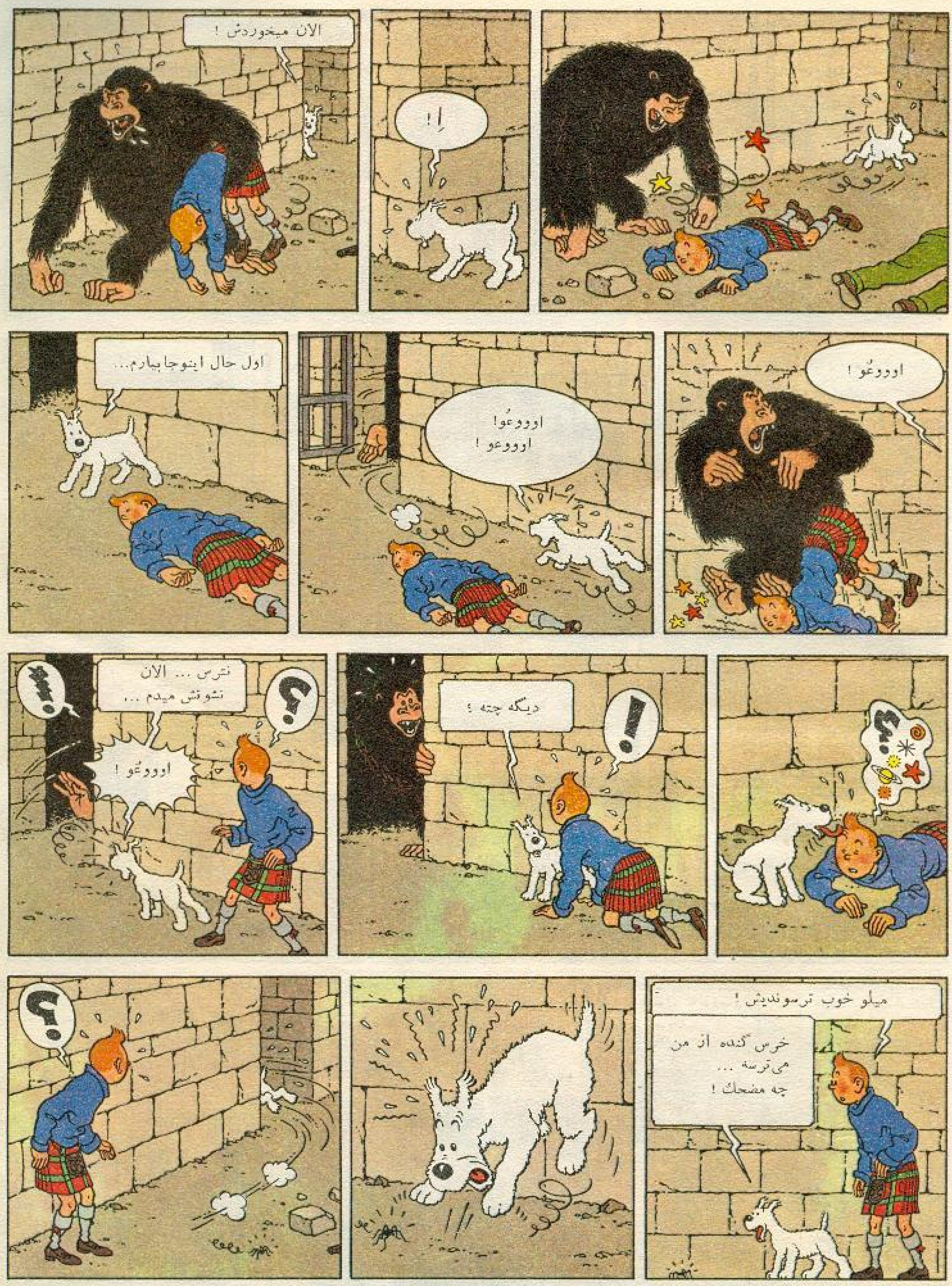

بهرقیمتی شده باید رفت بیرون ...
یاروه داره منو میپاد...
اووعُو!
بازچی شده ؟
اووعُو!اووعُو!
یعنی میلو چیزی پیدا کرده ؟...
میلو تو لنگه نداری!.. نجات پیدا کردیم !
دهه ؟...شکاف ادامه داره...
آخر عاقبت این راه چیه ؟
اِ ؟.. روشنایی ...


این یکی عالی شده! عکس داخل کاملا مشخصه .
اونائی که اسکناس قلابی چاپ میزنن!...
فکر نمیکردم باین زودی بمقصود برسم...
دستها بالا!
?
?
اسلحه‌تونو بندازین زمین اگه سرتونو برگردونین شلیک میکنم! هی مرد چکمه پوش مگه نگفتم اسلحه‌رو بنداز ؟!..
من ... من اسلحه ندارم
جلوتو نگاه کن ...
!
اگه یه حرکت دیگه بکنی ...
... آتش میکنم ، فهمیدی ؟
آخ!
تن تن !!!
می گیریمش !... اسلحه نداره !

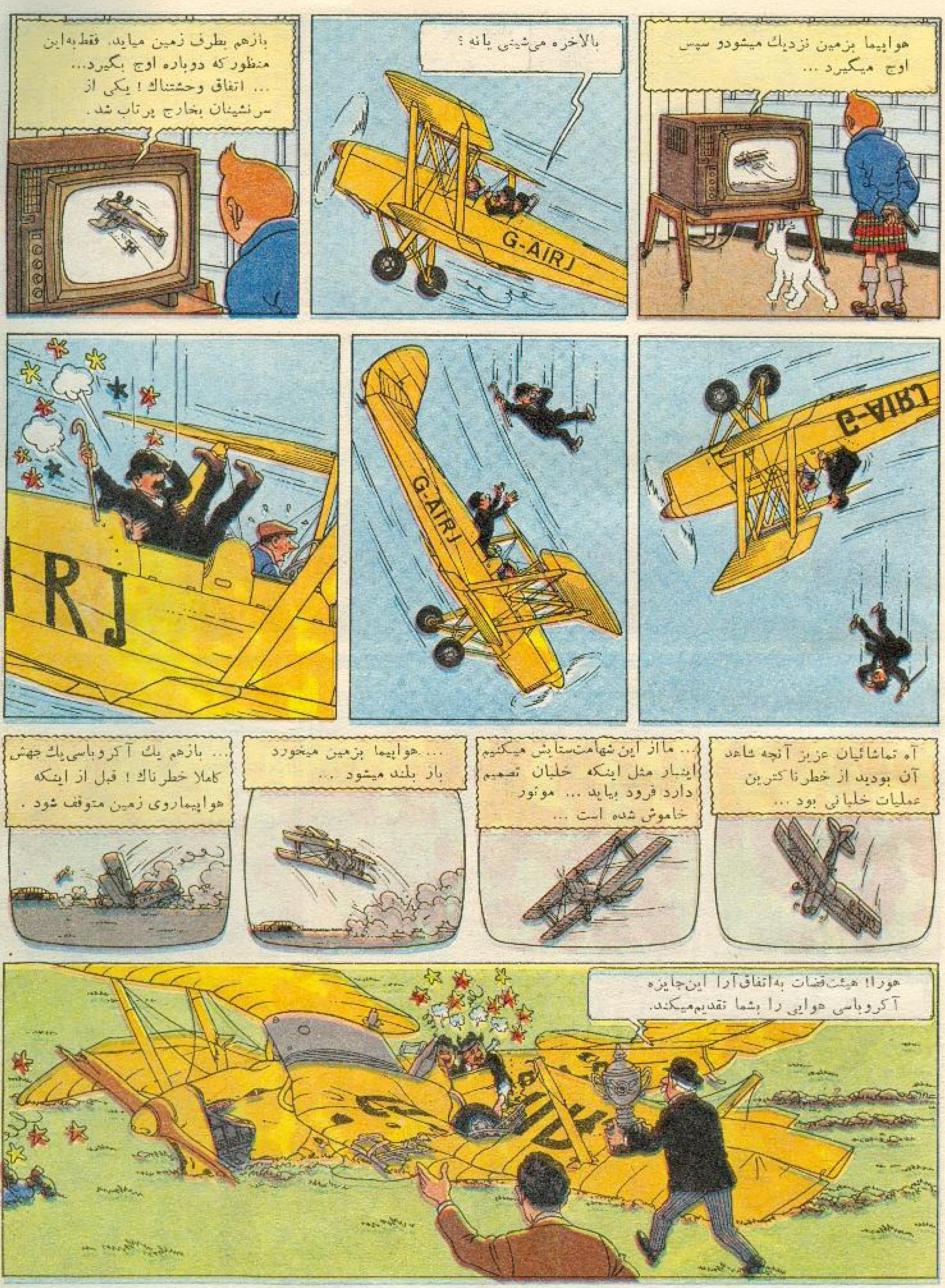

؟!
یك قدم دیگه بردارید میکشمتون !
دیگه شوخی تموم‌شد ، طناب قشنگی اونجاست ... اوهوی چکمه پوش طنابو بردار و با دقت دست این سبیلورو ببند ..
... زود باش محکمتر ببند. خدا بدادت برسه اگه محکم نبندی ...
حالا نوبت خودته...می‌بینی که هفت‌تیر پر چطور شمارو سرعقل اورد ..
هفت تیر پر ؟ وای حالایادم اومد که هفت تیر من پر نیست.
حالا یادت اومد ؟
راست میگه هفت‌تیر خالیه .
کمك !... کمك !... کمك !...
بدادم برسید !... تن‌تن اینجاست ...
صداتونو ببرید ! وگرنه ...
هرچه‌دلت میخواد تهدید کن‌اخودت خوب میدونی که هفت‌تیر خالیه .
بله نشونتون میدم که ازهفت تیرجور دیگه هم‌میشه استفاده کرد.
بارك‌الله‌تن‌تن‌ایکی درق ! . . . اینم دومی ... درق !
دیر شده ! فریاد اینا کار خودشو کرد : صدای پا میاد ...

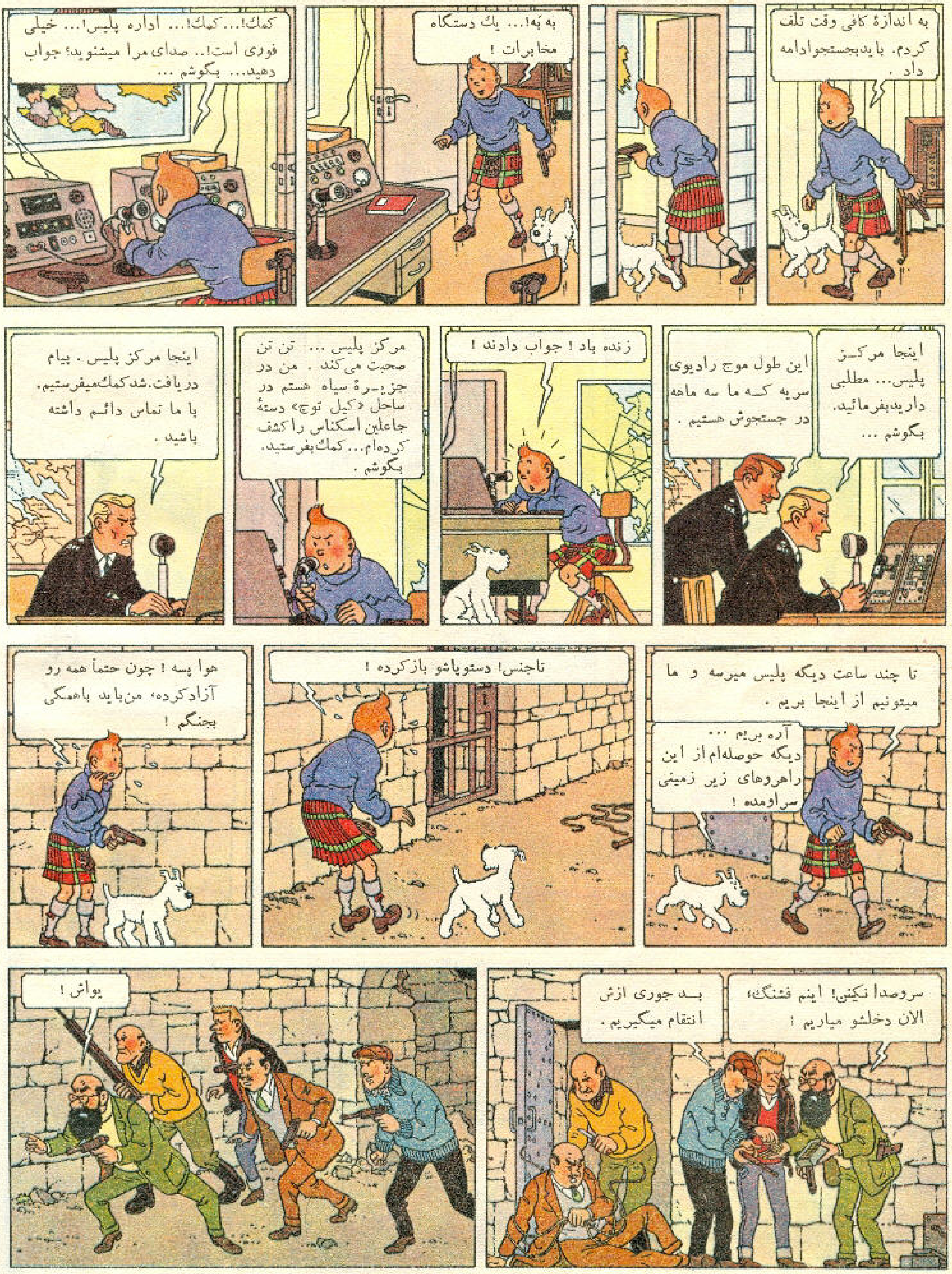

زودباش! نوردها بیشتر از هفت‌تیر بدرد میخورن .
هیچکی نیست !
دیر رسیدیم ...
شرط میبندم کار تن تنه . وقتی صدای پای مارو شنید در رفت . باید فوری به رئیس خبر بدیم .
ای بابا اینا که رفقای قدیمی خودمون هستن ! مگه نه ؟
ایوای !... من ...
چی شده ؟
دیگه کسی نیست ؟ خُب اول باینا برسیم ...
وقتی من میرم مواظب باشین دست ازپا خطا نکنین !
اوخ !
این یکی پره : خداکنه مجبور نشم ازش استفاده کنم !...
بلد نیستی مواظب دم من باشی ؟


تن‌تن هم که کارش ساخته شد.. دیگه خیالم جمعه.
خوب، بازم دیدار تازه شد!
شبح تن‌تن!!!
آقای شبح بمن رحم کنید... رحم کنید...
؟
بیچاره مخش عیب کرده...
رحم کنید... ببخشید... اذیتم نکنید...
آخ!
به این میگن حقه... آقا کوچولو!
یا این هم میگن جواب حقه!
هاآآآ!
؟
اول فقط می‌ترسونمش.

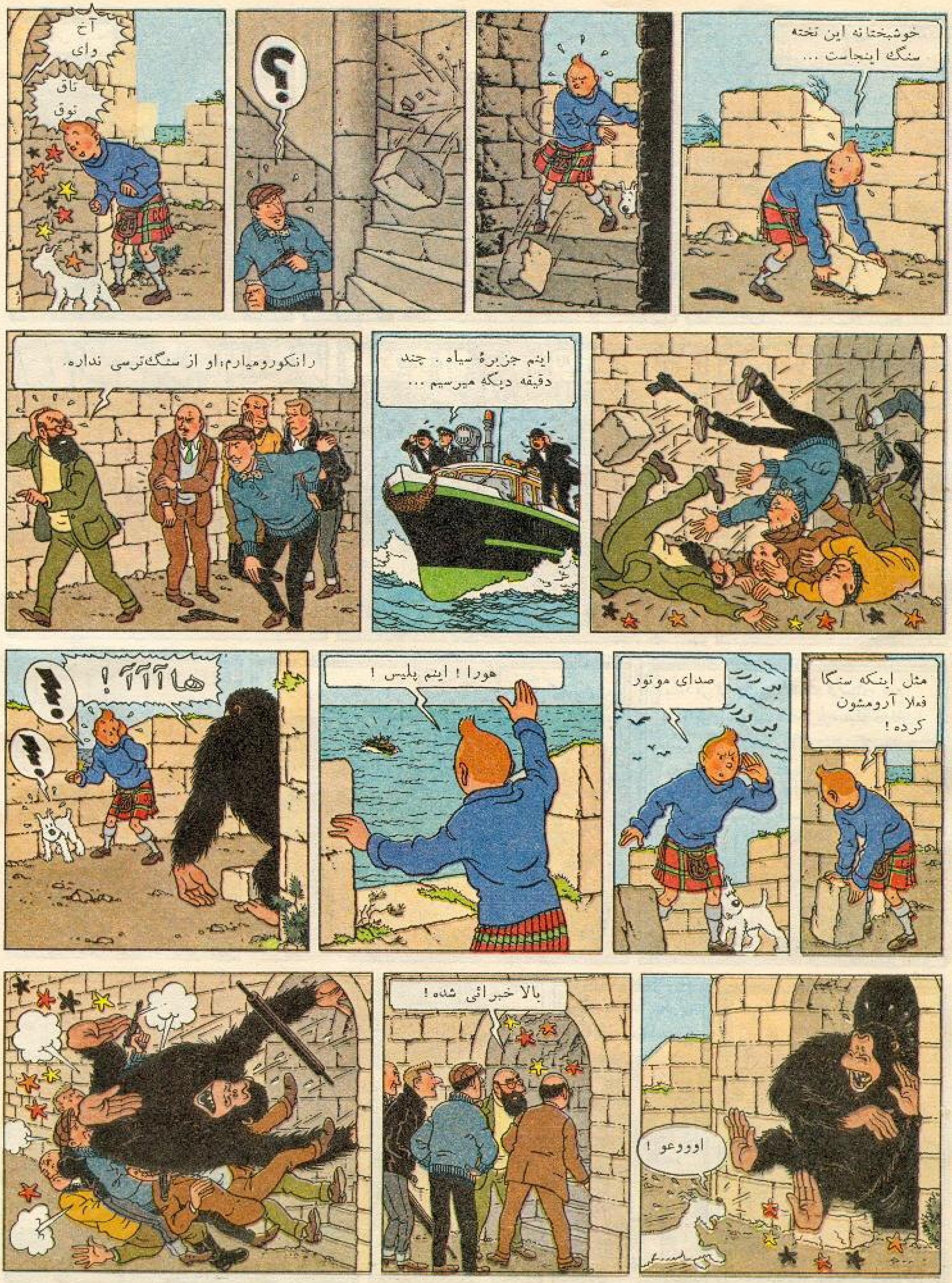

الان میخوردش !
اِ!
اول حال اینوجابیارم...
اووعُو!
اووعو !
اووعُو !
نترس ... الان نشونش میدم ...
اوووعُو !
دیگه چته ؛
میلو خوب ترسوندیش !
خرس گنده از من می ترسه ... چه مضحك !


کجا میری میلو ؟... میلو ؟... میلو ؟...
بالاخره اومدی ترسو ، هنوز کار داریم ..
ترسو ؟... من ترسوام؟...
پیس ! یکی پشت این در حرف میزنه ..
... بدون شك این یکی از همه بهتر است . اما خوب است منتظر نتیجه باشیم ... دارد بطرف‌ما میاید... نزدیك میشود...
دستها بالا!
به ! تلویزیونه !
درهوا چرخ می‌زند ...
...وبالاخره ویلیام اسمیت قهرمان اکروباسی هوائی بزمین مینشیند. مردم برایش کف میزنند .
مسابقهٔ طیاره‌رونیه.
وحالا هواپیماهای هواپیمایی سلطنتی با آرایش جنگی .
ببینم روی این میز چی هست .
اینارو ببین! چه شانسی آوردیم ، اسم همه اینجاست اینا در همهٔ کشورها فعالیت دارن. خوب بدام افتادن .
-۳-
- هانس اسلاتک
خیابان اسوج شماره ۴۵ - پراگ
- اتو استنکف
خیابان جدمان استراس - ژنو
- لوینزبونوالت
خیابان زبلعج شماره ۷۳ - آمستردام
اینهم یك رقیب دیگر . این ... این ... وهه !! این طیاره اسمش در برنامه نیست . ولی خلبانش بسیار با شهامت است .
نمایش بسیارجالب توجهی است . خلبان کارکشتهٔ هواپیما بااطمینان به اکروباسی های خطرناك و دیوانه‌واری دست میزند .
بنام قانون به‌تودستور میدم که بنشینی !
من ... من ازخدا میخوام ...

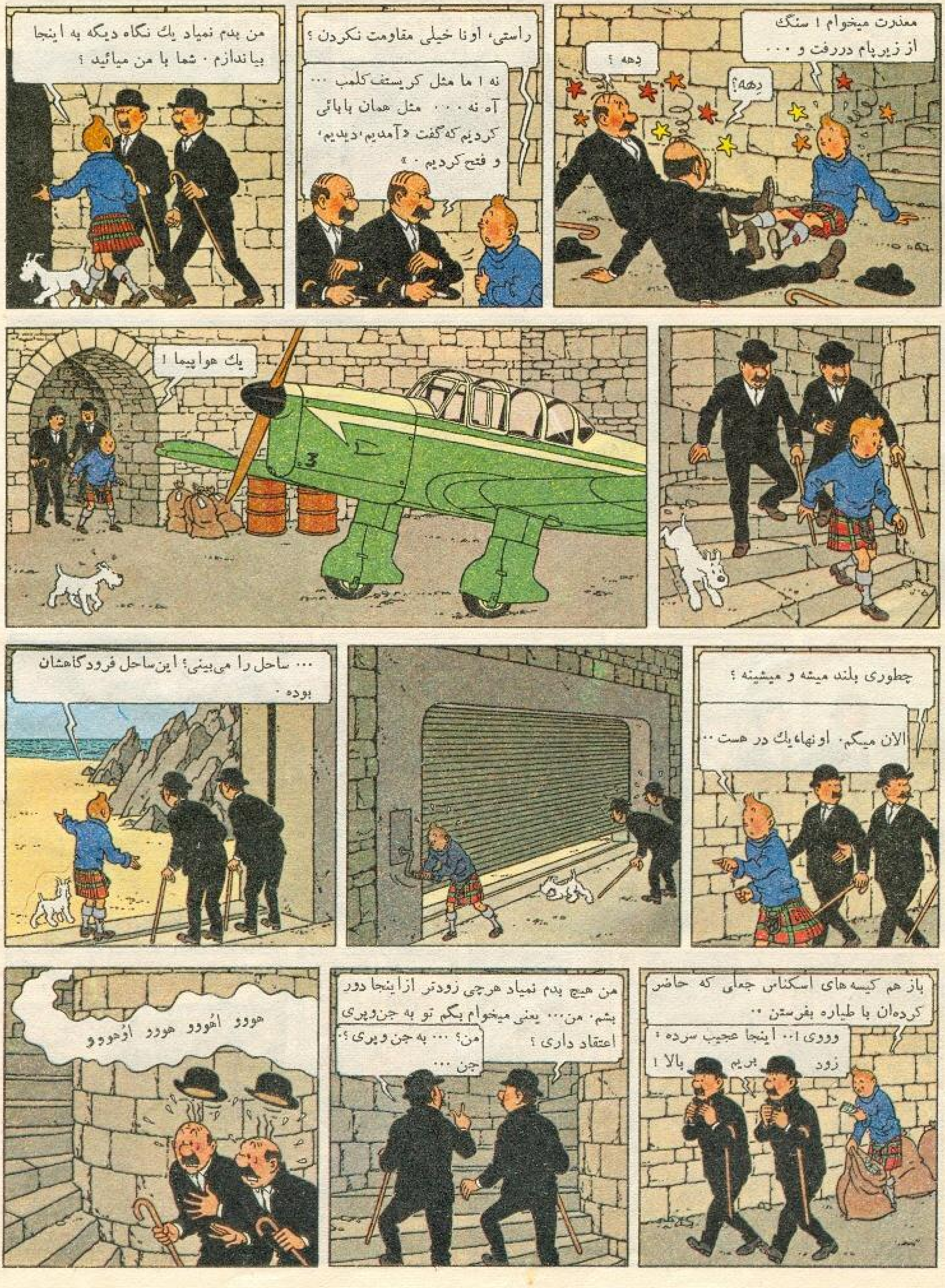

هواپیما بزمین نزدیك میشودو سپس اوج میگیرد ...
بالاخره میشینی یانه ؟
بازهم بطرف زمین میاید. فقط به این منظور که دوباره اوج بگیرد... ... اتفاق وحشتناك ! یکی از سرنشینان بخارج پرتاب شد.
G-AIRJ
آه تماشائیان عزیز آنچه شاهد آن بودید از خطرناکترین عملیات خلبانی بود ...
... ما از این شهامت ستایش میکنیم اینبار مثل اینکه خلبان تصمیم دارد فرود بیاید ... موتور خاموش شده است ...
... هواپیما بزمین میخورد باز بلند میشود ...
... بازهم یك آکروباسی یك جهش کاملا خطرناك ! قبل از اینکه هواپیماروی زمین متوقف شود .
هورا! هیئت قضات به اتفاق آرا این جایزه آکروباسی هوایی را بشما تقدیم میکند.


به اندازهٔ کافی وقت تلف کردم. باید بجستجو ادامه داد .
به به!... یك دستگاه مخابرات !
کمك!... کمك!... اداره پلیس!... خیلی فوری است!.. صدای مرا میشنوید؟ جواب دهید... بگوشم ...
اینجا مرکز پلیس... مطلبی دارید بفرمائید. بگوشم ...
این طول موج رادیوی سریه که ما سه ماهه در جستجوش هستیم .
زنده باد ! جواب دادند !
مرکز پلیس ... تن تن صحبت می‌کند . من در جزیرهٔ سیاه هستم در ساحل «کیل توچ» دستهٔ جاعلین اسکناس را کشف کرده‌ام... کمك بفرستید. بگوشم .
اینجا مرکز پلیس . پیام دریافت شد کمك میفرستیم. با ما تماس دائم داشته باشید .
تا چند ساعت دیگه پلیس میرسه و ما میتونیم از اینجا بریم .
آره بریم ... دیگه حوصله‌ام از این راهروهای زیر زمینی سر اومده !
تاجنس! دستو پاشو بازکرده !
هوا پسه ! چون حتماً همه رو آزادکرده، من باید باهمگی بجنگم !
سروصدا نکنین! اینم فشنگ، الان دخلشو میاریم !
بد جوری ازش انتقام میگیریم .
یواش !


اینهاش !...
تو از اون ور دور بزن و راه فرارش را بگیر .
گرفتمش !
بازم بز آوردم !
بطرف برج رفته ...
باشه میگیریمش ...
اینجا مرکز پلیس ! کمك فرستاده شد ! يك قايق پليس بطرف جزيره مياد. دونفر پليس مخفى هم كه دنبال شما ميگردن در اين قايق هستن... شنيديد؟ جواب بديد... بگوشم ...
بریم بالا! حتماً فشنگش تمام شده ...
دیگه فشنگ ندارم ! حسابم رسیده است !


خوشبختانه این تخته سنگ اینجاست ...
آخ وای
تاق توق
رانکورومیارم، او از سنگ‌ترسی نداره.
اینم جزیرهٔ سیاه . چند دقیقه دیگه میرسیم ...
مثل اینکه سنگا فعلا آرومشون کرده !
صدای موتور
بررر
بررر
هورا ! اینم پلیس !
ها آآآ !
اوووعو !
بالا خبرائی شده !


همه آماده باشن...
صبر کن منم بیام !
آماشاءاله
دیدی ؛ اگه منتظر من شده بودی...
مواظب تکان قایق باش !
اسلحه‌هارو بیندازین !
بما خیانت شد!
پلیس !
تن تن!... تن تن!... بیا پائین، ما هستیم.
بیا میلو !...
میریم پائین .


معذرت میخوام ! سنگ از زیر پام دررفت و ...
دِهه ؟
دِهه؟
راستی، اونا خیلی مقاومت نکردن ؟
نه ! ما مثل کریستف کلمب ... آه نه ... مثل همان بابائی کردیم که گفت « آمدیم، دیدیم، و فتح کردیم ».
من بدم نمیاد یك نگاه دیگه به اینجا بیاندازم . شما با من میائید ؟
یك هواپیما !
چطوری بلند میشه و میشینه ؟
الان میگم. اونهاءیك در هست ..
... ساحل را می‌بینی؛ این ساحل فرودگاهشان بوده .
باز هم کیسه‌های اسکناس جعلی که حاضر کرده‌ان با طیاره بفرستن ..
ووی ! .. اینجا عجیب سرده ؛ زود بریم بالا !
من هیچ بدم نمیاد هرچی زودتر از اینجا دور بشم. من ... یعنی میخوام بگم تو به جن‌وپری اعتقاد داری ؟
من؟ ... به جن و پری ؟ جن ...
هووو اُهووو هووو اُوهووو



جن !
آره ! تو راه پله جن هست !
جن ؟... بسم‌الله ! این دیگه چیه ؟
اووووهو ! اووووهو !
تن تن !
تن تن !
هیچ خبر و خطری نیست . بیائید بریم .
این حیوون بیچاره بـود که نالـه میکرد ، موقع افتادن از پلکان دستش شکسته .
حالا با این حیوون چکار می‌کنی ؟
با خودم میبرمش . اگه اینجا بمونه طفلك از گرسنگی تلف میشه . هدیه اش می‌کنم بـه باغ وحش .
دیگه راه بیفتیم قایق منتظره .
در همین هنگام در « کیل توچ » ...
بله آقایان روزنامه نگار، من باعث شدم که دسته جانلین بدام بیفتن . به این جوان گفتم به اونجا برو اتفاقات عجیبی اونجا میافته . او از من پـرسید ایـن حیوان غول پیکر چی هست، من گفتم در جزیره سیاه حیوانی وجود نداره . اوهم بمن گفت خوب وبعد بجزیره سیاه رفت .
آمدند !
هورا !
زنده باد تن تن !
اونهاش !
آقای تن تن واسه ما تعریف کنید .
بله بله بسیار خوب
یعنی چی؟... من قیافه‌ام اینقدر وحشتناکه ؟...


SCOTCH WHISKY
The Daily Reporter
GLASGOW EDITION
PRICE 4d.
اســـرار جـــزیره سیـــاه
دستگیری بانـد جاعلین بین‌المللی اسکناس
جزئیات در صفحهٔ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵
دستگیر شدگان تحت نظر محافظین مخصوص با ماشین زرهی به شهر «ادینبورگ» منتقل وتحویل دادگاه خواهند شد .
چند نمونه از اسکناسهای جعلی که در جزیره سیاه توسط تن تن و مامورین پلیس کشف شده . اسکناسها با هواپیما بممالک مختلف فرستاده بجهدستان جاعلین بکشورهای مختلف فرستاده میشد . عجیب اینکه این اسکناسها بقدری با مهارت جعل شده بود که تشخیص آن برای مقامات مربوطه بآسانی میسر نبود .
خبرنگار معروف ما تن‌تن که پشتکار و جسارت فوق‌العاده‌اش بباعث دستگیری جاعلین جزیره سیاه شده، «رانکو» گوریل جزیره را به باغ وحش لندن هدیه کرد . در اینجا او را هنگام خدا حافظی با «رانکو» می بینید .
در این عکس شما خبرنگار معروف ما تن تن را با عده‌ای از افراد زبده پلیس که در دستگیری جاعلین خطرناک جزیره سیاه با تن تن همکاری داشتند مشاهده میکنید .
دو روز بعـد ...
شما با من نمیآئید ؟
نه ... متشکریم... ما زیاد به‌طیاره علاقه نداریم .
خدا حافظ !



دورهٔ کامل ماجراهای « تن‌تن و میلو » را بصورت کتابهای
مصور رنگی ، بشرح زیر خواهید خواند :

جزیره سیاه
هدف کره ماه
روی ماه قدم گذاشتیم
اسرار اسب شاخدار
تن تن در کنگو
سیگارهای فرعون
گل آبی
گوش کنده شده
عصای اسرارآمیز
خرچنگ پنجه طلائی

هفت گوی بلورین
معبد آفتاب
تن تن در سرزمین طلای سیاه
ماجرای « تورنسل »
انبار ذغال سنگ
تن تن در تبت
جواهرات « کاستافیور »
گنجهای « راکام »
ستاره اسرارآمیز
تن تن در آمریکا

پرواز شماره ۷۱۴

انتشارات یونیورسال چاپ و نشر داستانهای مختلفی بنام جزوه‌های «تن‌تن» را آغاز نموده . با جمع آوری این جزوه‌ها ، مجموعه‌ای زیبا و بی‌نظیر از داستانهای مصور خواهید داشت .

انتشارات یونیورسال : صندوق پستی ۱۸۵۸ ـ تهران

شماره ثبت کتابخانه ملی ۳۶۸ / ۵۰/۳/۶ ـ چاپ سازمان هنر ـ تهران